

**پاسخ پرسش‌ها و نمونه پرسش کتاب "آئین زندگی (اخلاق کاربردی)"**

**(احمدحسین شریفی)**

## مقدمه: معناشناسی و جایگاه اخلاق کاربردی

### نمونه سوال

#### ۱. اخلاق در لغت به چه معناست و چند دسته تقسیم می‌شود؟

واژه اخلاق در لغت به معنای سرشت و سجیه به کار می‌رود، اعم از سجایای نیکو و پسندیده یا سجایای زشت و ناپسند. رایج‌ترین معنای اصطلاحی اخلاق: صفات و ویژگی‌های پایدار که موجب می‌شوند کارهایی متناسب با آن صفات، به طور خودجوش و بدون نیاز به تفکر، از انسان صادر شود. اخلاق از یک لحاظ به ۲ دسته تقسیم می‌شود: ۱. اخلاق فضیلت (اخلاق خوب)؛ که مبتنی بر کارهای پسندیده است. ۲. اخلاق رذیلت (اخلاق بد)؛ که مبتنی بر کارهای ناپسند است.

#### ۲. علم اخلاق را تعریف کنید.

تعریف علم اخلاق در ۲ دسته کلی: ۱. تعریف علم اخلاق با تکیه بر علم: علمی که به آن نفس انسان، چگونه خلقی می‌تواند به دست آورد که تمام کارهایی که به اراده او از او صادر می‌شود، نیکو باشد. ۲. تعریف علم اخلاق با تکیه بر عمل و رفتار اخلاقی: علم اخلاق عبارت است از تحقیق در رفتار آدمی بدان گونه که باید باشد. تعریف جامع: علم اخلاق، علمی است که ضمن معرفی و شناساندن انواع خوبی‌ها و بدی‌ها، راه‌های کسب خوبی‌ها و رفع بدی‌ها را به ما تعلیم می‌دهد.

#### ۳. انواع پژوهش‌های اخلاقی را نام ببرید و هر کدام را مختصر توضیح دهید.

۱. اخلاق توصیفی؛ در این نوع از پژوهش‌ها به توصیف و معرفی اخلاقیات افراد، گروه‌ها و جوامع مختلف پرداخته می‌شود. هدف در این پژوهش، تنها آشنایی با نوع رفتار اخلاقی فرد یا جامعه‌ای خاص است. روش در این اخلاق، تجربی و تاریخی است. ۲. اخلاق هنجاری؛ این اخلاق به بررسی افعال اختیاری انسان از حیث خوبی یا بدی، و بایستگی و نبایستگی می‌پردازد. موضوع بحث در این نوع پژوهش، افعال اختیاری انسان است. روش این پژوهش، استدلالی و عقلی است. ۳. فرااخلاق؛ به بررسی تحلیلی و فلسفی درباره مفاهیم و احکام اخلاقی می‌پردازد. موضوع این نوع پژوهش، مفاهیم و جملاتی است که در اخلاق هنجاری مورد بحث قرار می‌گیرند. وظیفه اصلی در این پژوهش، بررسی معنای خوب و بد و تحلیل گزاره‌های مورد بحث است.

#### ۴. چرا علم اخلاق اهمیت دارد؟

علم اخلاق، یکی از ضروری‌ترین علوم برای انسان است. امام کاظم (ع) فرمودند: لازم‌ترین دانش برای تو، دانشی است که تو را به صلاح قلبت راهنمایی کند و فساد آن را برایت آشکار سازد. هدف اصلی رسالت انبیاء؛ پرورش اخلاقی مردمان و تزکیه و تهذیب جان‌های آن‌ها بوده است.

## ۵. به چه دلیل بعضی از افراد دست به بی‌اخلاقی می‌زنند؟

هدف اصلی رسالت انبیاء؛ پرورش اخلاقی مردمان و تزکیه و تهذیب جان‌های آن‌ها بوده است. در عین اینکه اکثر افراد، با فضایل و رذایل اخلاقی آشنا هستند، باز هم بعضی از افراد به درستی به وظایف اخلاقی خود عمل نمی‌کنند. مشکل عمده بسیاری از افراد این است که: ۱. راه انجام وظایف اخلاقی و نحوه اعمال احکام اخلاقی را نمی‌توانند به درستی تشخیص دهند. ۲. در بزنگاه نمی‌توانند تصمیم اخلاقی درستی اتخاذ کنند.

راه حل مشکل = شناخت بیماری (مفسده اخلاقی) + راه علاج + تصمیم اخلاقی

## ۶. هدف عمده اخلاق کاربردی چیست؟

رسالت عمده اخلاق کاربردی، تحلیل و بررسی ریشه‌ای و بنیادین فضایل و رذایل اخلاقی و راه تشخیص تکالیف اخلاقی و شیوه تحقق آن‌ها در حوزه‌های خاص است.

## ۷. اخلاق کاربردی را توضیح دهید.

اخلاق کاربردی، در حقیقت زیرمجموعه اخلاق هنجاری است و به تعبیری همان اخلاق هنجاری است. این اخلاق درصدد آن است که کاربرد و اعمال منظم و منطقی نظریه اخلاقی را در حوزه مسائل اخلاقی خاصی نشان دهد. همچنین این اخلاق شامل اخلاق حرفه‌ای نیز می‌شود.

## ۸. منظور از اخلاق حرفه‌ای چیست؟

منظور از اخلاق حرفه‌ای، تأمل درباره ابعاد اخلاقی موضوعاتی است که به مشاغل خاصی مربوط می‌شود؛ مانند اخلاق پزشکی، اخلاق روزنامه‌نگاری و ...

## فصل اول: اخلاق دانش‌اندوزی

### پرسش‌ها

۱. رابطه صدر و ذیل این آیه را که می‌فرماید «اگر تقوا پیشه کنید خداوند به شما قدرت تشخیص حق از باطل را می‌دهد» به طور دقیق تبیین نمایید.

در قرآن کریم تصریح شده است که ثمره پارسایی بهره‌مندی از فرقان و قدرت تشخیص حق از باطل است. بی‌تردید متون دینی، همه انسان‌ها حتی کافران و فاسقان را به دانش‌اندوزی و پیروی از دانش و پرهیز از پیروی گمان دعوت کرده و به تعقل و تدبّر فراخوانده است. پارسایی در کنار خردورزی و دانش‌اندوزی به معنای ناتوانی بی‌تقوایان از درک و اقامه براهین عقلی نیست؛ بلکه مراد آن است که با بازگرداندن روح و سرشت آدمی به حالت پاکی و صداقت نخستین و فطری‌اش، فراگیری و پذیرش حقایق را برای او تسهیل کند. تقوا سبب می‌شود فطرت انسان به پاکی و زلالی نخستین خود بازگردد.

### ۲. موانع و لغزشگاه‌های اخلاقی تحصیل علم کدام‌اند؟

۱. پیروی از حدس و گمان؛ یکی از لغزش‌گاه‌های فهم و اندیشه درست آن است که انسان به جای پیروی از یقین، به حدس و گمان، بسنده کند. ۲. تقلید کورکورانه؛ یکی دیگر از موانع تحصیل علم واقعی و داشتن اندیشه درست، سپردن مهارت تفکر به دست دیگران است. ۳. شتاب‌زدگی؛ انسان در داوری‌های علمی و عقلانی خود شتاب می‌کند؛ و به صرف فراهم آمدن اطلاعاتی اندک درباره یک موضوع، به نتیجه‌گیری می‌پردازد. ۴. تمایلات نفسانی؛ هدف از تحصیل علم، رسیدن به حقیقت به میزان توان است. نشستن گرد و غبار گرایش‌های نفسانی بر چهره دیدگان اندیشه، مانع از رسیدن به حقیقت می‌شود.

۳. آیا می‌توان تقلید را به دو گونه ممدوح و مذموم تقسیم کرد؟ اگر پاسخ منفی است دلیل آن را بیان کنید و اگر مثبت است تفاوت‌های این دو نوع تقلید را به دقت بیان کنید.

تقلید را به یک اعتبار می‌توان به دو گونه ممدوح و مذموم تقسیم کرد. تقلید مذموم تقلیدی است که راهزن اندیشه بوده و بر گمراهی آدمی می‌افزاید. در مقابل تقلید ممدوح و پسندیده تقلیدی است که عقل و فطرت انسان به آن حکم می‌کند. هر انسان عاقلی درک می‌کند که در مسائل تخصصی باید به متخصص مراجعه کند و سخت متخصصان را راهنمای خویش سازد. اگر کسی به بهانه نادرستی تقلید، از مراجعه به پزشک متخصص خودداری کند و یا با استناد به نادرستی تقلید پیروی از مجتهد و متخصص احکام دینی را خطا بداند، خبر از نادانی خود داده است.

۴. نقش نیت و حسن فاعلی را در ارزش‌گذاری کارها تبیین کنید آیا می‌توان گفت رابطه نیت و ارزش کار رابطه‌ای قراردادی و اعتباری است؟ چرا؟

ماهیت هر عملی با توجه به نیتی که فرد در انجام آن داشته است، مشخص می شود. بر اساس نظام اخلاقی اسلام، صرف «حسن فعلی» یعنی خوب بودن کار، برای ارزش گذاری اخلاقی آن کافی نیست، بلکه «حسن فاعلی» یعنی نیت خوب داشتن در انجام آن نیز باید به آن ضمیمه شود. همچنین نیت بیانگر یک رابطه حقیقی است نه یک رابطه قراردادی. عمل بدون نیت در حقیقت یک کالبد مرده است که با دل و روح انسان ارتباط نمی یابد.

## ۵. امانوئل کانت نیز در نظریه اخلاقی خود بر نقش نیت تأکید می کند ضمن توضیح دیدگاه او تفاوت آن را با دیدگاه اسلام بیان کنید.

از نظر کانت تنها چیزی که دارای ارزش ذاتی است «اراده خیر» است. او معتقد بود که کار خوب، کاری نیست که صرفاً مطابق با وظیفه عقلانی باشد، بلکه کاری است که افزون بر مطابقت با وظیفه عقلانی فرد، به انگیزه ادای آن وظیفه عقلانی نیز انجام گرفته باشد. یعنی انگیزه فرد از انجام آن عمل تنها پیروی از قانون عقل باشد. بر این اساس اگر کسی کاری را برای رسیدن به سعادت و یا بهره‌مندی از کمال انجام دهد باز هم دارای ارزش اخلاقی نخواهد بود. کسانی که برای بهره‌مندی از بهشت عبادت می کنند، کار آنان فاقد ارزش اخلاقی است. کار چنین کسانی صرفاً یک معامله است. یکی از ویژگی‌های بارز نظامی اخلاقی اسلام در مقایسه با سایر نظام‌ها و مکاتب اخلاقی تکیه و تأکید آن بر نیت و انگیزه در ارزش گذاری فعل اخلاقی است. اسلام افزون بر «خوبی کار»، «انگیزه خوب فاعل» را نیز شرطی لازم برای ارزشمندی کار می داند. در حالی که در هیچ یک از نظام‌های اخلاقی چنین نقشی به نیت و حسن فاعلی داده نشده است.

## ۶. نقش استاد در شکل‌گیری شخصیت دانشجو را با ذکر نمونه توضیح دهید.

تأثیر استاد و نوع ارزش‌ها و نگرش‌ها و جهان بینی او در شاگردان، جای هیچ تردیدی ندارد. شاگردان هر اندازه که مقاومت کنند، با زهم به صورت آشکار و نهان از استاد خود تأثیر می‌گیرند. به همین دلیل انتخاب استاد شایسته همیشه مورد توجه اولیای دین بوده است. استاد شایسته با رفتار خود دانشجو را به کسب فضایل ترغیب و از آلودگی به رذایل اخلاقی دور می‌کند. استادی که دیدن وی، انسان را به یاد خدا اندازد و سخن گفتنش بر علم دانشجو بیفزاید.

## ۷. آیا شما تقسیم علوم به دینی و غیردینی را می‌پذیرید؟ چرا؟

همه دانش‌هایی که در خدمت اسلام و مسلمانان باشند و به رشد و پیشرفت علمی و دینی و فرهنگی جامعه اسلامی کمک کنند، علوم دینی به حساب آمده و فراگیری آن‌ها مورد تأکید، سفارش و احترام اسلام است. یکی از آن دانش‌ها، خودشناسی است. خودشناسی مقدم بر همه دانش‌هاست؛ زیرا برای انسان خُسران بزرگی است که جوهر مسائل بیرونی را بداند و دائماً به مطالعه و آزمایش بپردازد اما از سیر در امور نفسانی و درونی خود غافل باشد.

## نمونه سوال

### ۱. دیدگاه اسلام درباره علم و آموزش آن بیان کنید.

اهمیت علم و علم‌آموزی، از دیدگاه اسلام، آنقدر واضح است که نیاز به توضیح زیادی ندارد. نخستین آیاتی که بر پیامبر اکرم نازل شد (سوره علق)، بهترین دلیل بر جایگاه ویژه تعلیم و تعلم در اسلام است. ضرورت تحصیل از دیدگاه اسلام، ضرورتی مطلق است. یعنی هیچ قید و محدودیتی (زمانی، مکانی و ...) ندارد.

### ۲. چرا آدمی به حدس و گمان روی می‌آورد؟

یکی از لغزش‌گاه‌های فهم و اندیشه درست آن است که انسان به جای پیروی از یقین، به حدس و گمان، بسنده کند؛ چون دستیابی به یقین و تشخیص واقعیت در همه امور زندگی، کاری دشوار است و با توجه به غریزه راحت‌طلبی، انسان‌ها اساس زندگی خود را بر گمان بنا می‌کنند. که قرآن کریم به شدت با آن به مخالفت برخاسته است.

### ۳. آداب اخلاقی علم‌آموزی را نام ببرید.

۱. انگیزه الهی ۲. انتخاب استاد شایسته ۳. رعایت اولیت‌ها ۴. خوب گوش دادن ۵. پرسش و پرسش‌گری ۶. ضبط و نگارش مطالب ۷. تواضع در برابر استاد.

### ۴. مقصود از انگیزه الهی و رضایت الهی چیست؟

ماهیت هر عملی با توجه به نیتی که فرد در انجام آن داشته است، مشخص می‌شود. در اخلاق اسلامی، برای ارزش‌گذاری اخلاقی یک کار، وجود ۴ عنصر ضروری است: ۱. حسن فعلی؛ خوب بودن کار ۲. حسن فاعلی؛ نیت خوب داشتن در انجام کار. از دیدگاه اسلام، کار اخلاقی و ارزشمند، کاری است که صرفاً برای رضایت خدا انجام گرفته باشد. مراتب رضایت الهی (انگیزه و نیت افراد از انجام کارهای خوب): ۱. بهره‌مندی از نعمت‌های الهی، ۲. رهایی از عذاب الهی و ۳. خشنودی خدا و نه هیچ چیز دیگر.

### ۵. هنر خوب گوش دادن را توضیح دهید.

یکی از آدابی که رعایت آن برای هر فردی لازم است، هنر خوب گوش دادن به سخنان استادان می‌باشد. یک مستمع خوب کسی است که ۳ ویژگی داشته باشد: ۱. در سخنان گوینده دقت کند (آمادگی برای ادراک)، ۲. بردبار و شکیبنا باشد و ۳. بتواند نکات اصلی گفتار گوینده را از سایر حرف‌های وی جدا کند.

### ۶. پرسش‌گری در چه صورت ناپسند تلقی می‌شود؟

ارزش پرسش و پرسش‌گری ارزشی ذاتی نیست، یعنی در هر شرایطی مطلوبیت ندارد؛ بلکه در صورتی دارای ارزش اخلاقی است که به منظور کشف حقیقت باشد و اگر به منظور اظهار فضل و مچ‌گیری باشد، کاری

بسیار ناپسند است. امام علی(ع) می‌فرمایند: "برای دانستن بپرس نه برای آزار دادنکه نادان آموزنده همانند دانا است و دانای برون از راه انصاف، همانند نادان پر چون و چرا است."

#### ۷. در مقابل استاد چگونه باید رفتار کرد؟

در روایات بسیاری بزرگداشت عالمان و اندیشمندان مورد تأکید قرار گرفته است. احترام به عالمان نشانه بهره‌مندی از عقل و حرمت آن‌ها همسنگ حرمت شهیدان معرفی شده است. امام زین‌العابدین(ع) می‌فرماید: حق کسی که به تو علم می‌آموزد این است که او را بزرگ بداری؛ و احترام مجلسش را نگه داری؛ و به نیکویی به سخنانش گوش فرادهی؛ در نزد او با صدای بلند سخن نگوئی و اگر کسی از او سوالی پرسید، در جواب دادن به آن بر او پیشی نگیری؛ و در محضر او با افراد دیگر سخن نگوئی و ... . اسلام برای معلم و استاد احترام و ارزش والایی قائل است. یکی از دلایل آن، اهمیت و ارزشمندی خود علم است.

#### ۸. چرا خودشناسی اهمیت ویژه‌ای دارد؟

خودشناسی مقدم بر همه دانش‌هاست؛ زیرا برای انسان خُسران بزرگی است که جوهر مسائل بیرونی را بداند و دائماً به مطالعه و آزمایش بپردازد اما از سیر در امور نفسانی و درونی خود غافل باشد.

#### ۹. ویژگی‌های استاد شایسته را بیان کنید.

پیامبر اکرم، یک استاد شایسته را کسی می‌داند که شاگردان خود را: ۱. از تکبر به تواضع دعوت می‌کند، ۲. از حيله‌گری به خیرخواهی فرامی‌خواند و ۳. از جهل به علم می‌کشاند. استاد شایسته با رفتار خود دانشجو را به کسب فضایل ترغیب و از آلودگی به رذایل اخلاقی دور می‌کند. استادی که دیدن وی، انسان را به یاد خدا اندازد و سخن گفتنش بر علم دانشجو بیفزاید.

#### ۱۰. مهم‌ترین وظیفه دانشجویان در علم‌آموزی، نسبت به جامعه چیست؟

مهم‌ترین وظیفه دانشجویان تحصیل علوم نافع به حال جامعه است. علومی که در جهت ارتقای همه جانبه جامعه اسلامی باشد. امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: "دانش‌ها بیشتر از آنند که تو بتوانی همه آن‌ها را بیاموزی. بر آن‌ها احاطه یابی؛ پس باید گلچین کرده و از هر دانشی بهترین‌های آن را انتخاب کنی."

## فصل دوم: اخلاق پژوهش

### پرسش‌ها

۱. نقش پیش فرض‌های ارزشی در پژوهش‌های علمی را با ذکر مثال توضیح دهید.

یکی از مهم‌ترین مسائل در تحقیق و پژوهش مساله تأثیر پیش فرض‌ها، فرهنگ، جامعه، ارزش‌ها و ... است. تحقیق علمی فارغ از هرگونه پیش فرض و پیش زمینه، ذاتاً محال نیست اما وقوعاً محال است. به تعبیر فنی‌تر، علم دارای بار ارزشی است؛ یعنی یک پژوهش‌گر هرگز نمی‌تواند فارغ از نظام ارزشی مورد قبولش، دست به تحقیق بزند. بنابراین اندیشه‌های فلسفی، عرفانی، دینی، اجتماعی و تاریخی یک محقق در ساختار علمی و پژوهشی او نقشی تعیین کننده دارند.

۲. منظور از امانت‌داری و حقیقت‌جویی در پژوهش چیست؟

امانت‌داری در امر پژوهش اقتضا می‌کند که در نقد یا استناد به سخن دیگران از نقل تقطیعی یعنی نقل یک مقدار از حدیث، متن تاریخی، متن فلسفی و ... و حذف مقداری دیگر، در جایی که مطلب پیوسته و مرتبط است، پرهیز کنیم. وظیفه اخلاقی یک پژوهش‌گر، حقیقت‌طلبی و حقیقت‌جویی است. زمانی که به ارسطو اعتراض شد که چرا حرمت استاد خود، افلاطون را نگه نداشته و نظرات او را به نقد کشانده، گفت: افلاطون را دوست دارم؛ اما به حقیقت بیش از افلاطون علاقه دارم.

۳. چه عواملی موجب سستی در انجام پژوهش می‌شود؟ نقش هر یک از عوامل فردی، اجتماعی و سیاسی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۱. عدم درک اهمیت موضوع تحقیق؛ اگر اهمیت موضوع پژوهش برای محقق آشکار نباشد و او به درستی علت انجام کار را نداند، انگیزه لازم برای تحقیق به حد کافی نخواهد بود. آگاهی از نتایج و ثمره‌های کار تحقیقی می‌تواند در فرد انگیزش ایجاد کند. البته این نتایج و ثمرات باید برای محقق، ملموس، قابل پیش بینی و در دسترس باشد. این امر بسیار مهم است. اگر نتایج، در دسترس نباشد. یا پس از چندین سال تحقق پیدا کند، ممکن است انگیزه کافی را از پژوهش‌گر بگیرد. ۲. ترسیم نکردن روش مناسب برای تحقیق؛ با در نظر گرفتن مبدأ و مقصد (وضعیت موجود و مطلوب)، می‌باید مسیر پژوهش را ترسیم کرد. این مسیر باید به طور اجمالی برای محقق روشن باشد، و این خود باعث ایجاد انگیزه تحقیق است و فرد را برای تلاش در این زمینه تشویق می‌کند. ۳. عدم توجه محقق به توان خویش برای انجام تحقیق؛ ممکن است در مواردی به همه نکات بالا دقت شود، ولی به این نکته توجه نشود که اجرای طرح از نظر راهی که باید در آن حرکت کرد یا به لحاظ نتایج، بالاتر از توان و تحمل محقق است. از این رو ملاحظه توانایی محقق از فرسودگی وی جلوگیری کرده، میزان کارآمدی تحقیق را بالا می‌برد. ۴. عدم توجه به تأمین نیازهای محقق؛



انسانی که فکر کند نیاز او تأمین نشده، انگیزه ساقی در او به وجود می‌آید که وی را به سوی جبران این نیازهای اساسی سوق می‌دهد.

#### ۴. رذایل اخلاقی در عرصه پژوهش را نام برده و به اختصار توضیح دهید.

۱. شهرت‌زدگی؛ بسیاری از افراد به صرف مشهور بودن یک باور یا عقیده یا فرضیه، آن را می‌پذیرند و آن را مبنای پژوهش خود قرار می‌دهند. ۲. شتاب‌زدگی؛ کمترین آفت شتاب‌زدگی این است که مانع از درک درست موضوع می‌شود. شخص شتاب‌زده، نمی‌تواند در تمام جوانب موضوع پژوهش خود، اندیشه کند. ۳. دخالت دادن خواسته‌های شخصی؛ یک پژوهش‌گر منصف کسی است که اصل "بی طرفی" را در تحقیق مورد توجه قرار دهد. ۴. انتحال؛ یکی دیگر از آفات بزرگ اخلاقی پژوهش و تألیف، سرقت ادبی یا انتحال است، که متأسفانه در دانشگاه‌ها و مراکز علمی ما، به یک معضل تبدیل شده است.

#### ۵. چگونه می‌توان از دخالت دادن خواسته‌ها و سلیق شخصی در فرایند پژوهش جلوگیری کرد؟

یکی دیگر از آفات بزرگ اخلاقی پژوهش و تألیف، سرقت ادبی یا انتحال است، که متأسفانه در دانشگاه‌ها و مراکز علمی ما، به یک معضل تبدیل شده است. انتحال ۲ معنی دارد؛ معنی رایج آن همان سرقت ادبی است و معنی دیگر آن، عبارت است از خود را به مذهبی بستن، خود را به مذهبی یا قبیله ای منسوب ساختن، خویشتن را به کسی باز خواندن.

#### ۶. برای جلوگیری از پدیده بسیار بد انتحال و سرقت چه راهکارهایی پیشنهاد می‌دهید؟

۱. توسعه نرم‌افزارهای تشخیص سرقت علمی؛ پیش‌گیری از گسترش سرقت علمی، مستلزم شناسایی موارد سرقت علمی در آثار و نوشته‌هایی است که منتشر می‌شود. بنابراین، توسعه نرم‌افزارهای کشف و تشخیص سرقت علمی، پیش‌نیاز برخورد با متخلفان است. ۲. جازات‌های قانونی؛ شاید نتوان سرقت علمی را ریشه‌کن کرد؛ اما تا حد بسیاری می‌توان از آن جلوگیری کرد. تعیین مجازات‌های قانونی برای کسانی که مرتکب رفتار غیر اخلاقی سرقت علمی می‌شوند، از مؤثرترین راه‌های پیش‌گیری از گسترش این ناهنجاری در عرصه پژوهش شمرده می‌شود. ۳. آموزش پرهیز از سرقت علمی؛ با آموزش پرهیز از سرقت علمی به دانش‌آموزان، دانشجویان و پژوهشگران، تا حد فراوانی می‌توان از گسترش پدیده شوم سرقت علمی در مجامع آموزشی و دانشگاهی کاست. آموزش پرهیز از سرقت علمی، چیزی جز آشنایی با شیوه‌های درست استناد و ارجاع در نگارش علمی نیست. پژوهشگران و نویسندگان باید بدانند دقیقاً در چه مواردی و به چه صورت به منابع تحقیق اشاره کنند.

### نمونه سوال

#### ۱. پژوهش در جامعه چه جایگاهی دارد؟

اهمیت و تحقیق پژوهش علمی بر کسی پوشیده نیست و یکی از اهداف اصلی آموزش در هر جامعه، پرورش پژوهشگر و محقق است. یکی از شاخصه‌های مهم برای ارزیابی میزان موفقیت نظام‌های آموزشی، تعداد پژوهشگرانی است که تربیت کرده و در خدمت جامعه قرار داده است. رشد علمی در هر جامعه، مرهون وجود پژوهش‌های جدید است. وجود پژوهش و تحقیق، باعث پیشرفت و ترقی مادی و معنوی جوامع انسانی می‌شود.

#### **۴. فضایل اخلاقی در پژوهش را نام ببرید.**

۱. تصحیح انگیزه و نیت ۲. توجه به نقش پیش‌فرض‌های ارزشی ۳. آشنایی با پیشینه پژوهش ۴. گزینش مسئله ۵. شهامت در پژوهش ۶. امانت داری ۷. حقیقت‌جویی در پژوهش ۸. نشاط در تحقیق ۹. پژوهش‌گرایی

#### **۳. جهت‌گیری یک تحقیق چگونه مشخص می‌شود؟**

یکی از مهم‌ترین گام‌ها و مراحل مقدماتی هر تحقیقی، مسئله‌گزینی است. جهت‌گیری هر تحقیقی با توجه به مسئله آن مشخص می‌شود. بنابراین انتخاب مسئله از جمله مهم‌ترین و بنیادی‌ترین مراحل تحقیق است. مطالعه، میزان دقت ما را در انتخاب مسئله بالا می‌برد، زیرا انسان ناآگاه مشکلی را بر سر راه خود نمی‌بیند تا در اندیشه حل آن برآید.

#### **۴. جایگاه شهامت در تحقیق چگونه است؟**

هم تجربه نشان داده است و هم اولیای دین به ما توصیه کرده‌اند که هرگز نباید از انجام کارهای بزرگ به خاطر ترس از ناتوانی و یا ترس از مشکلات احتمالی خودداری کرد. بنابراین در پژوهش نباید: ۱. مشکلات احتمالی را بزرگ جلوه داد. ۲. توانمندی‌های خود را کوچک فرض کرد.

#### **۵. نشاط چگونه می‌تواند با پژوهش خوب ارتباط داشته باشد؟**

یک از مسائل مهم، در امر تحقیق، نشاط و شادابی محقق در کار خود است. نشاط در تحقیق، یعنی زندگی و عشق ورزی به مسئله مورد نظر. یکی از عوامل بی‌انگیزگی و سستی در تحقیق این است که اهمیت کار برای محقق روشن نشده است. به این معنا که یا فرد علاقه درونی و واقعی به موضوع نداشته است و فقط به خاطر درآمد یا شهرت دست به آن تحقیق زده است و یا این که هدف تحقیق خود و اهمیت آن را از ابتدا، به درستی نشناخته است.

#### **۶. دیدگاه حضرت علی (ع) درباره کار گروهی چیست؟**

بدون تردید، کارهای گروهی و جمعی، نسبت به کارهای فردی، بهتر و مفیدترند. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: "بهترین آرا و اندیشه‌ها؛ از آن کسانی است که از مشورت با دیگران خود را بی‌نیاز نبینند". درصد خطای پژوهش گروهی به مراتب کمتر از پژوهش فردی است.

#### ۷. چرا در تحقیقات باید از شتاب‌زدگی دوری کرد؟

کمترین آفت شتاب‌زدگی این است که مانع از درک درست موضوع می‌شود. شخص شتاب‌زده، نمی‌تواند در تمام جوانب موضوع پژوهش خود، اندیشه کند. صبر و بردباری، رکن رکین پژوهش است. هرگز نباید توقع داشت که به هر قیمتی، در مدت زمان معینی پژوهش را به پایان برسانیم.

#### ۸. انتحال به چه معناست و در تحقیقات چگونه بروز می‌کند؟

یکی دیگر از آفات بزرگ اخلاقی پژوهش و تألیف، سرقت ادبی یا انتحال است، که متأسفانه در دانشگاه‌ها و مراکز علمی ما، به یک معضل تبدیل شده است. انتحال ۲ معنی دارد؛ معنی رایج آن همان سرقت ادبی است و معنی دیگر آن، عبارت است از خود را به مذهبی بستن، خود را به مذهبی یا قبیله ای منسوب ساختن، خویشتن را به کسی باز خواندن.

#### ۹. انصاف در پژوهش چگونه پدید می‌آید؟

یک پژوهش‌گر منصف کسی است که اصل بی‌طرفی را در تحقیق مورد توجه قرار دهد. او هرگز نباید به خود اجازه دهد که دیدگاه‌ها، خواسته‌ها و اغراض شخصی یا صنفی خود را بر موضوع تحقیق تحمیل کند. یک تحقیق معتبر، تحقیقی است که بی‌طرفانه و بدون حب و بغض‌های پیشین صورت گیرد.

#### ۱۰. ارتباط شهرت‌زدگی و اخلاق در پژوهش چیست؟

یکی از آفات بزرگ پژوهش‌ها و تحقیقات علمی، شهرت‌زدگی است. بسیاری از افراد به صرف مشهور بودن یک باور یا عقیده یا فرضیه، آن را می‌پذیرند و آن را مبنای پژوهش خود قرار می‌دهند. مشهور بودن یک رأی و عقیده، هرگز به معنای درست بودن آن نیست و اکثریت هرگز مساوی با حقانیت نبوده و نیست.

## فصل سوم: اخلاق نقد (شیوه‌های اخلاقی مواجهه با اندیشه‌ها)

### پرسش‌ها

۱. دیدگاه‌های مختلف درباره معنای نقد را بیان کرده و معنای درست را تبیین نمایید.

درباره معنای نقد و انتقاد دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. ۱. نقد و انتقاد صرفاً، به معنای بیان خوبی‌ها و محسنات است و در آن نباید از زشتی‌ها سخنی به میان آورد. ۲. نقد و انتقاد به معنای عیب جویی و خرده گیری است. ۳. نظریه معتدل: ارزیابی منصفانه یک چیز است. نقد در اصطلاح واریسی و بررسی نوشتار، گفتار یا رفتار است و هدف از آن شناسایی و شناساندن زیبایی و زشتی، بایستگی و نایستگی، بودها و نبوده است.

۴. آیا نقد و انتقاد را یک ضرورت اجتماعی می‌دانید؟ به چه دلیل؟

آزادی نقد، به شرط رعایت آداب اخلاقی آن، در جامعه هیچ ضرری ندارد. ضرورت نقد در دو جا ملاحظه می‌شود. یا نقد وارد است و نقص دیگران را برطرف می‌کند یا نقد وارد نیست که پاسخ داده می‌شود و سوء تفاهم بین نقد کننده و نقد شده را از بین می‌برد. اصولاً باید دانست که نقد و انتقاد از نابسامانی‌ها و کج اندیشی‌ها، یکی از وظایف دینی مردم است. نقد اندیشه‌های نادرست از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر در حوزه معرفتی است.

۳. چهار معیار از معیارهای اخلاقی نقد را نام برده و به اختصار توضیح دهید.

۱. فهم سخن و تبحر در موضوع؛ در نقد، به ویژه نقدهای علمی، ناقد در پی بیان درستی‌ها و نادرستی‌های یک اندیشه است، طبیعتاً نخستین شرط این کار آن است که آن سخن را به درستی فهمیده باشد. ۲. کنار نهادن حب و بغض؛ تأثیر حب و بغض تا آنجا است که می‌تواند هنر را عیب و عیب را هنر جلوه دهد. کسی که به قصد مچ‌گیری، به نقد یک اندیشه یا رفتار می‌پردازد، قطعاً از درک حقیقت آن عاجز خواهد بود. ۳. نقد انگیزه به جای انگیزه: به گفته بنگر نه به گوینده؛ کسی که مورد نقد قرار می‌گیرد به جای پرداختن به پاسخ نقدهای ناقد، به کالبد شکافی نیست و انگیزه او اقدام می‌کند. ۴. لزوم بردباری و نقدپذیری؛ خداوند متعال در این باره می‌فرماید: "هرگز نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است".

۴. در مقام نقد اندیشه‌ها یا رفتارهای دیگران چه موازین و ضوابطی را باید مراعات کرد.

۱. شروع از خود، گام اول انتقاد: بسیاری از ما در دیدن عیب و نقص دیگران ریزبین و دقیق هستیم، با این که ناقد ابتدا باید از خود شروع کند و در گام نخست، در جستجوی زدودن عیب‌های خویش باشد. ۲. انتقاد با نیت خیر خواهی و به قصد اصلاح و ارشاد انجام شود. نقد نباید برخاسته از حسد و غرض ورزی باشد. ۳.

لحن انتقاد کننده مشفقانه باشد. ۴. انتقاد در خلوت و بدون آبرو ریزی انجام شود. ۵. فقط از رفتار و کار خطا انتقاد شود. یعنی بر ناقد لازم است که میان حساب اشخاص و کار و رفتار آنها تفکیک نماید. ۶. انتقاد بدون توهین و تحریک عصبی انجام شود. ۷. انتقادگر، فرصتی برای جبران به انتقادشونده بدهد. ۸. انتقاد همراه با ذکر کارها و اوصاف مثبت انتقادشونده باشد. ۹. انتقادگر در حین انتقاد بر احساسات خود تسلط داشته باشد. ۱۰. روش انتقادگر عیب پوشی و راز داری باشد نه افشاگری.

## ۵. در برخورد با کسانی که رفتار یا اندیشه ما را مورد نقد و انتقاد قرار داده‌اند چه وظایفی بر عهده داریم؟

کسی که اندیشه، گفتار یا کردار او مورد نقادی قرار می‌گیرد نباید فوراً ناقد را به به عدم فهم مطالب خود متهم کند. همچنین این افراد اخلاقاً مجاز نیستند ناقد را به سوء غرض و داشتن حب و بغض نسبت به خودشان متهم کنند. گاهی ممکن است در حسن نیت و خیرخواهی و نظر دوستانه کسی شک و تردید داشته باشیم و در نتیجه به آنچه که نقد می‌کند، توجهی نکنیم، ولی اگر حسن نظر و نیت دوستانه کسی برای ما ثابت بود، در پذیرفتن نقد و تذکر و پند او تردید نکنیم. در مقابل نقد باید از حسن نیت منتقد تشکر کرد.

## ۶. برای تقویت روحیه نقدپذیری در افراد چه باید کرد؟

مهم‌ترین کار برای ایجاد روحیه انتقادپذیری آن است که تفکری صحیح از آن داشته و از مزایایش باخبر باشیم. برخی از این مزایا عبارتند از: ۱. رشد علم: واضح است که توانایی فکری و علمی ما آدمیان محدود است. اگر در حوزه‌های نظری بر قوانین و نظریه‌های موجود هیچ گونه انتقادی وارد نیاید، بشریت در حوزه‌های علمی دچار رکود، خمود و درج‌زدگی می‌شود. ۲. ادای حق عقل: شکر عقل و حق این نعمت الهی آن است که بارور شود و از توان تمیز صواب از ناصواب آن بیشترین بهره برده شود. ۳. تصحیح نظر و عمل: اگر آدمیان بخواهند که با دقت و بدون دخالت داشتن آرمان‌ها، آرزوها و نفسانیات، نظریه‌پردازی یا عمل کنند، احتمال لغزش و خطا دارند؛ چون امکاناتشان محدود است و فقط به بعضی از وجوه یک موضوع می‌توانند توجه کنند و اینجا است که فرد یا افرادی باید این نواقص را برشمارند و بگویند تا به دیدگاه دقیق‌تر و به عملکردی مطلوب‌تر برسند. ۴. رفع نسیان و غفلت: یکی از دلایلی که انسان‌ها باید از نقد و انتقاد دفاع کنند و آن را به عنوان یک ارزش فرهنگی و اجتماعی درآورند، آن است که ما آدمیان در معرض نسیان و غفلت هستیم، در موارد بسیاری از مسئولیت‌هایی که داریم، غفلت می‌کنیم. غفلت، فراموشی است؛ از این رو به انسان غافل باید تذکر داد.

## نمونه سوال

۱. جایگاه نقد در جامعه امروزی چیست؟

بدون تردید، یکی از مهم‌ترین نشانه‌های شکوفایی علم و اندیشه در یک جامعه و همچنین یکی از علائم رشد و بالندگی و پویایی یک ملت، رونق گرفتن مباحثات علمی، تضارب آراء و تبادل افکار است. رونق مباحثات علمی باعث شکوفایی علم و اندیشه می‌شود. مهم‌ترین شرط برای نشاط و شکوفایی علم و اندیشه، آزادی است. البته این آزادی به معنای آزادی هتاک‌ی و به عبارتی آزادی مطلق نیست. یکی از مهم‌ترین قیود آزادی، قیود اخلاقی است. بنابراین هرگز نمی‌توان با طرح گسترده نظریات علمی و رواج بازار نقد و نقادی در جامعه، سلامت علمی جامعه را نتیجه گرفت. این امر زمانی امکان پذیر است که: ۱. موضوعات گفتگو، مفید و ثمر بخش باشند. ۲. گفتگوها در فضایی مناسب و به شیوه ای سالم و با مراعات اصول معرفتی و اخلاقی صورت پذیرد.

#### ۴. منظور از تفکر انتقادی را بیان کنید.

تفکر انتقادی یا منطق کاربردی یکی از موضوعاتی که در دوران جدید به شدت مورد اهتمام اندیشمندان قرار گرفته است. در تفکر انتقادی دانشجو با انواع بسیاری از مغالطه‌ها آشنا می‌شود. هدف از آشنایی با تفکر انتقادی، مواجهه با اندیشه‌های گوناگون به شیوه منطقی در موارد ضروری است. طبیعی است که ارتکاب مغالطه در حالت عادی و معمولی در رد یا دفاع از یک اندیشه، عملی غیر اخلاقی است.

#### ۳. چرا باید از نقد متقابل دوری کرد؟

یکی دیگر از آفت‌های اخلاقی بزرگ در عرصه نقد و نقادی آن است که، بسیاری از نویسندگان در پاسخ نقدهای یک ناقد، بدون آنکه به پاسخ‌گویی نقدها بپردازند، به بررسی آثار ناقد و مطالعه سرگذشت و تاریخچه ناقد پرداخته و می‌کوشند تا به گونه ای بی عملی‌ها و نادرستی‌های او را استخراج کنند. به همین دلیل کمتر کسی جرئت می‌کند اندیشه‌ای را نقادی کند.

#### ۴. انگیزه خوانی را تعریف کرده و منشأ آن را بیان کنید.

انگیزه‌خوانی یکی از مغالطاتی است که در بسیاری از گفتگوها و مشاجرات سیاسی، اجتماعی و علمی رواج دارد. منشأ این مغالطه، این تصور خطا است که امکان ندارد یک عقیده صحیح از سوی شخصی ارائه شود که دارای موقعیت مناسب علمی، اجتماعی و ... نیست یا انگیزه‌های غیر مقبولی دارد.

#### ۵. منظور از تفکیک اندیشه و رفتار چیست؟

هم شخص ناقد و هم شخص یا اشخاص مورد انتقاد باید به این مهم توجه داشته باشند که نقد را، از ساحت نقد اندیشه و کردار، به نقد صاحب اندیشه و کردار نکشانند در حقیقت نقد یک سخن یا رفتار نشان‌دهنده اهمیت آن اندیشه یا رفتار برای ناقد است. کسی که به نقد یک اندیشه یا سخن می‌پردازد، در جهت اصلاح و تکمیل آن گام برداشته است. بنابراین نقد به معنای درافتادن با شخص صاحب اندیشه یا رفتار نیست.

## ۶. در مورد برجسب زدن در انتقاد توضیح دهید.

یکی از شیوه‌های نادرست و خلاف اخلاق در مسئله نقد، برجسب‌زدن و انگ زدن به صاحبان اندیشه و یا به ناقدان است. برجسب‌هایی از قبیل: ارتجاعی، غربی، غرب زده، علم زده، فاشیست، مستبد و ... در حالی که اگر اندکی بیندیشیم خواهیم دید که چنین برجسب‌هایی حتی اگر هم درست باشند، هرگز خللی در بنیان‌های منطقی یک اندیشه ایجاد نمی‌کنند.

## ۷. منظور از عبارت مغالطه از طریق منشأ چیست؟

قرون وسطایی بودن یک اندیشه یا نو بودن آن مستلزم درستی یا نادرستی آن نیست. این عمل در حقیقت یکی از مغالطات منطقی است که معمولاً در کتاب‌های منطقی از آن به عنوان "مغالطه از طریق منشأ" یاد می‌شود.

## ۸. تأثیرگذارترین شیوه نقد چیست؟

بدون تردید، تأثیر اخلاقی گفتار و توصیه‌ای که خود فرد به آن عمل می‌کند، بیشتر از توصیه‌هایی است که در کردار و رفتار فرد توصیه‌کننده خلاف آن‌ها مشاهده می‌شود. بنابراین اگر به قصد اصلاح و رفع نقایص، به نقد اندیشه‌ها یا رفتارهای دیگران می‌پردازیم، بهتر است از خود شروع کنیم.

## فصل چهارم: اخلاق معیشت

### پرسش‌ها

۱. با توجه به آیات و روایات اهمیت کار در اسلام را توضیح دهید.

پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرمایند: "عبادت و پرستش خداوند هفتاد جزء دارد که بالاترین و برترین جزء آن، طلب روزی حلال است". نتیجه اینکه، اسلام هرگز کارکردن و تلاش برای تأمین معاش را جدای از عبادت و پرستش نمی‌داند. پیامبر اکرم (ص) درباره انسانهای بیکار می‌فرمایند: "کسی که بار زندگی خود را بر دوش مردم بیاندازد مورد لعن است". امام باقر (ع) نیز می‌فرمایند: حضرت موسی (ع) از خداوند سوال کرد که خدایا مبعوض ترین بندگان نزد تو چه کسانی هستند؟ خداوند فرمود: کسانی که شب تا صبح همچون جسدی مرده می‌خوابند و روز خود را به بطالت و بیکاری می‌گذرانند. امام صادق (ع) بیان می‌دارند: "کسی که نمی‌خواهد از راه حلال مالی را فراهم کند که با آن آبروی خود را حفظ نماید و دینش را ادا کند و صلّه رحم را به جا آورد، خیری در او نیست".

۲. نیت و انگیزه چه نقشی در ارزشمندی کار دارد؟

یکی از مهم‌ترین ارکان ارزشمندی کارهای اختیاری انسان، مسئله نیت و انگیزه فرد از انجام آن است. آن همه ارزشی که در اسلام برای کار ذکر شده است، همگی مبتنی بر داشتن نیت و انگیزه خوب است. پیامبر اکرم (ص) در این باره فرمودند: "اگر انسان به انگیزه مباهات و فخر فروشی و به هدف تکاثر و مال اندوزی کار کند، در آن صورت در راه شیطان است".

۳. این روایت را که « انسان گاهی به دلیل انجام گناه از رزق مقرر خود محروم می‌شود» توضیح دهید و بگویید: اولاً منظور از رزق در این روایت چیست؟ ثانیاً چگونه می‌توان این رابطه را تبیین کرد؟

با توجه به روایت مطرح شده باید توجه داشت که منظور از رزق در اینجا معنایی عام و گسترده دارد. یعنی منحصر در رزق متعارف از قبیل خوراک و پوشاک و مسکن و مانند آن نیست بلکه شامل رزق‌های معنوی و اخروی نیز می‌شود. در بسیاری از آیات و روایات، این حقیقت را تأکید کرده است که علت اصلی محرومیت‌های انسان اعمال و رفتارهای ناشایست خود او است. پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرمایند: "هر مصیبتی به شما رسد به سبب دستاورد خود شما است و خدا بسیاری را نیز عفو می‌کند".

۴. کار و اشتغال چه نقشی در بهداشت روانی انسان و شکل‌گیری شخصیت او دارد؟

یکی از مهم‌ترین عوامل سازنده شخصیت انسان، کار است. رابطه بین کار و شخصیت انسان، رابطه‌ای دوطرفه است. امام علی (ع) می‌فرمایند: "اگر نفس خود را به کاری مشغول نسازی او تو را مشغول خواهد کرد".



نفس انسانی و به ویژه قوه خیال آدمی به گونه ای است که اگر بیکار باشد، انسان را به تباهی و فساد خواهد کشاند. اصولاً، یکی از مهم ترین علل ارتکاب گناه، بیکاری است. اشتغال، افزون بر اینکه، از انفجار انرژی های متراکم جلوگیری می کند، مانع پیدایش افکار و خیالات شیطانی نیز می شود.

## ۵. دیدگاه اسلام را درباره تکدی گری و گدایی توضیح دهید.

درخواست کمک مالی از مردم و سربار دیگران بودن، به دلیل آفات اخلاقی و اجتماعی و فرهنگی فراوانی که دارد، به شدت مورد مذمت و نکوهش اسلام و اولیای اسلام قرار گرفته است. هرگز نباید به خردی کار نگاه کرد. پیدا نکردن شغلی مطابق به میل خود هرگز مجوز بیکاری و پذیرش خواری درخواست از دیگران نیست.

## ۶. با توجه به معیار ارزش از دیدگاه اسلام (یعنی قرب الهی) مکتب قدرت گرایی نیچه را نقد کنید.

فردریش نیچه بر این باور است که برای تشخیص فضایل و رذایل اخلاقی باید دید که چه کاری موجب تقویت حس قدرت طلبی ما می شود و چه کاری موجب تضعیف این حس می گردد. کارهای نوع اول فضیلت و رفتارهای نوع دوم، رذیلت به شمار می آیند. اما از دیدگاه اسلام یکی از مهم ترین ارکان ارزشمندی کارهای اختیاری انسان، مسئله نیت و انگیزه فرد از انجام آن است. آن همه ارزشی که در اسلام برای کار ذکر شده است، همگی مبتنی بر داشتن نیت و انگیزه خوب است. پیامبر اکرم (ص) در این باره فرمودند: "اگر انسان به انگیزه مباحات و فخر فروشی و به هدف تکاثر و مال اندوزی کار کند، در آن صورت در راه شیطان است".

## نمونه سوال

### ۱. آثار کار کردن و بیکاری را بیان کنید.

کار کردن آثار و نتایجی را به دنبال دارد. از جمله: ۱. امرار معاش و تأمین مایحتاج مادی زندگی ۲. احساس شخصیت، عزت، استقلال و اعتماد به نفس ۳. احساس افتخار و سربلندی و عضوی تأثیرگذار در جامعه. و در مقابل، آثار و نتایج بیکاری عبارتند از: ۱. یأس و نومیدی ۲. سرخوردگی و بی شخصیتی ۳. از نظر دیگران، فرد بیکار یک عضو بی فایده در جامعه تلقی می شود.

### ۲. جایگاه کار در اجتماع چگونه است؟

مسئله معیشت یکی از مهم ترین و پایدارترین مسائل بشری است. افراد بیکار، هر چند از نظر اقتصادی نیازمند نباشند، باز هم، انسان هایی موفق تلقی نمی شوند. کار، یک وظیفه و مسئولیت اجتماعی نیز هست. یعنی اگر ما شخصاً هیچ احتیاجی نداشته باشیم، باز هم وظیفه اجتماعی و مسئولیت اخلاقی ما اقتضا می کند که بیکار نباشیم. می توان گفت، مؤمنان شاغل، محبوب خداوند هستند.

### ۳. اهمیت کار در سیره اولیای دین به چه صورت بوده است؟

همه پیامبران و امامان برای تأمین مخارج زندگی خود و خانواده شان کار می‌کردند. یکی از یاران امام صادق (ع) که می‌بیند حضرت در یک روز گرم مشغول بیل زدن هستند به ایشان می‌گویند: اجازه دهید من به جای شما کار کنم حضرت (ع) در پاسخ فرمود: "من دوست دارم که انسان برای تأمین معاش و در طلب معیشت، سختی و آزار آفتاب گرم را تحمل کند".

#### ۴. رابطه اخلاق نیکو و معیشت چیست؟

در روایات متعددی اخلاق نیکو به عنوان یکی از عوامل گشایش در رزق و روزی و اخلاق بد به عنوان یکی از عوامل تنگدستی و فقر معرفی شده است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: "ای ابوذر، به درستی که انسان گاهی به دلیل انجام گناه، از روزی مقرر خود محروم می‌شود". همچنین در روایت‌های دیگری می‌فرمایند: "گنج‌های رزق در اخلاق خوب نهفته است" و "اخلاق نیکو، موجب زیادت در روزی می‌شود".

#### ۵. دیدگاه پاستور و ولتر را درباره بهداشت کار بیان کنید.

به قول پاستور "بهداشت روانی انسان در لابراتوار و کتابخانه است" ولتر می‌گفت: "هر وقت احساس می‌کنم که درد و رنج بیماری می‌خواهد مرا از پای درآورد، به کار پناه می‌برم. کار بهترین درمان دردهای درونی من است".

## فصل پنجم: اخلاق معاشرت

### پرسش‌ها

#### ۱. معاشرت با دیگران چه فواید فردی، اجتماعی و دینی برای انسان در پی دارد؟

معاشرت و ارتباط سازنده با دیگران، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین نیازهای روحی و روانی آدمیان است. بسیاری از فضایل و رذایل اخلاقی، در ظرف معاشرت ظهور پیدا می‌کنند. فضایل اخلاقی مانند: عدالت، انصاف، احسان، ایثار و... و همچنین رذایل اخلاقی مانند: ظلم، تکبر، خیانت، دروغ، رشوه، بی بند و باری و... . تعلیم و تعلم، با آن همه ارزشی که در اسلام دارند، بدون زندگی اجتماعی و معاشرت با دیگران امکان تحقق ندارند. آشنایی با تجارت دیگران، تنها با معاشرت با مردم حاصل می‌شود. معاشرت با دیگران، یکی از بهترین ابزارها برای تهذیب نفس و خودسازی است.

#### ۲. انواع معاشرت را نام برده و حداقل یک وظیفه اخلاقی مربوط به هر کدام بیان کنید.

۱. معاشرت‌های انسانی؛ به عبارتی، هر کسی به عنوان عضوی از خانواده انسانی در قبال سایر انسان‌ها، وظایف و مسئولیت‌های اخلاقی خاصی بر عهده دارد. ۲. معاشرت‌های آیینی یا دینی؛ ما به عنوان یک مسلمان در برابر سیر مسلمانان مسئولیت‌ها و وظایفی بر عهده داریم. ۳. معاشرت‌های شهروندی؛ هر کدام از ما به عنوان یک شهروند با سایر شهروندان دارای روابط خاصی هستیم که با غیر شهروندان چنان روابطی را نداریم. ۴. معاشرت‌های دوستانه؛ این نوع از معاشرت‌ها، به دلیل تأثیرگذاری فوق‌العاده‌ای که بر روی شخصیت انسان دارد، مورد توجه اسلام و اولیای دین قرار گرفته است. ۵. معاشرت‌های خانوادگی؛ ما به عنوان یک فرزند، در قبال والدین خود وظایف ویژه‌ای بر عهده داریم.

#### ۳. آیا می‌توان امر مطلق کانت یا تعمیم‌پذیری هیر را به عنوان معیار فضایل و رذایل اخلاقی پذیرفت یا نه؟ چرا؟

کانت کار اخلاقی را کاری می‌داند که بر اساس امر مطلق انجام گرفته باشد کانت تقریرهای مختلفی از امر مطلق ارائه می‌کند. ۱. تنها بر پایه آن آیینی رفتار کن که در عین حال بخواهی که قانونی عام باشد. ۲. چنان عمل کن که اراده بتواند در عین حال به واسطه دستور اراده خود را واضع قانون عام لحاظ کند. و... . البته خود کانت تصریح می‌کند که اینان همه صور مختلف یک قانون واحد بیش نیست. یعنی ما یک امر مطلق بیشتر نداریم. هیر نیز همین معیار را به عنوان معیار ارزش اخلاقی معرفی می‌کند. به عقیده هیر یکی از ویژگی‌های احکام اخلاقی و ارزشی، تعمیم‌پذیری آنهاست. یعنی یک حکم در صورتی حکمی اخلاقی به شمار می‌آید که بتواند در همه شرایط و بای همه افراد قابل توصیه باشد. باید گفت به طور کلی مطابق با دیدگاه اسلام بهترین و کامل‌ترین معیار برای سنجش درستی یا نادرستی رفتارهای اجتماعی این است که

انسان خود را به جای دیگران قرار دهد. همه انسان‌ها در انسانیت و شرافت و کرامت انسانی مشترک‌اند. جای تردید ندارد که همه انسان‌ها دارای توقعات متقابل انسانی از یکدیگر هستند.

**۴. آیا با استناد به حدیث «هر چه برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بپسند» می‌توان گفت کسی که دزدی یا خیانت و امثال آن را برای خود می‌پسندد اگر حاضر باشد که آن را برای همه مردمان نیز بپسندد به این توصیه عمل کرده است؟ چرا؟**

این قانون در حقیقت معیار و ملاکی کلی و عام برای اخلاق اجتماعی و نحوه معاشرت با دیگران است. بسیاری از مکاتب اخلاقی نیز آن را پذیرفته و در نظام اخلاقی خود از آن بهره برده‌اند. اما این قانون در رابطه با رذایل اخلاقی کاربردی ندارد و جامعه را دچار آسیب می‌کند زیرا از فطرت آدمی به دور است. کسی که بخواهد به این توصیه عمل کند، پیش‌تر باید خود را از آلودگی‌های اخلاقی پاک سازد.

**۵. چرا ما اخلاقاً وظیفه داریم به نیازمندان کمک کنیم؟**

در اسلام از همه مسلمانان خواسته شده که به محض اطلاع از نیازمندی یک مؤمن اخلاقاً موظفند، در صورت امکان، در رفع نیاز او پیشقدم شوند یعنی اجازه ندهند که آن فرد، نیازش را بیان کند. حتی اگر کسی، خودش، نمی‌تواند نیاز برادر مسلمانش را برآورده سازد، ولی می‌تواند از اعتبار و آبروی خود در این جهت مایه بگذارد، اخلاقاً موظف است، این کار را انجام دهد.

**۶. در اختلافاتی که میان برادران دینی پدید می‌آید وظیف اخلاقی ما چیست؟ با ذکر روایت؟**

بدون تردید در زندگی اجتماعی همواره ممکن است کدورت‌ها و ناراحتی‌هایی میان افراد، پدید آید. در اینجا، یکی دیگر از وظایف اخلاقی سایر افراد این است که میان آنان را آشتی داده و اجازه ندهند که اختلافی جزئی به اختلافات ریشه‌ای و عمیق تبدیل شود. پاداش اصلاح ذات‌بین، در اسلام، از نماز و روزه و صدقه دادن نیز بالاتر دانسته شده است. امام صادق (ع) اصلاح میان مردم را نوعی صدقه دانسته است که محبوب خداوند است: "اصلاح اختلاف میان مردم و نزدیک کردن آنان به یکدیگر، صدقه‌ای است که خداوند آن را دوست دارد".

**۷. منظور از این جمله که «امر به معروف و نهی از منکر وظایفی عام هستند و به هیچ وجه استثنا نمی‌پذیرند» چیست؟ توضیح دهید.**

امر به معروف (ارشاد به خوبی‌ها) و نهی از منکر (انتقاد از زشتی‌ها) وظیفه‌ای است که از هر جهت عمومیت دارد. یعنی در هیچ زمانی و تحت هیچ شرایطی تعطیل‌بردار نیست. همه مسلمانان، مشمول این حکم هستند و این حکم در همه زمان‌ها قابل اجراست. همچنین نسبت به همه افراد نیز قابل اجرا است و شامل همه احکام و مسائل شرعی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و فرهنگی می‌شود.

۸. گفته شده است که یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر «احتمال تأثیر» است به نظر شما از کجا می‌توان فهمید که در فلان مورد احتمال تأثیر هست یا نه؟

احتمال تأثیر اینجا معنایش این است که یعنی از نقطه‌ی پنجاه پنجاه بالا برود؛ یعنی مثلاً شصت درصد هفتاد درصد احتمال می‌دهد تأثیر داشته باشد؛ ولی یقین ندارد و صد درصد نیست. تردید هم ندارد. اما اگر تردید داشت و احتمال تأثیر پنجاه پنجاه بود، امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست. ولی اگر مفسده‌ای نداشته باشد جایز است و اشکالی هم ندارد. اما اگر احتمال تأثیر پنجاه پنجاه بود و امر و نهی نکرد، ترک واجب نکرده است و کیفر نمی‌شود. البته در مواردی که اصل دین با حکمی اصلی در جامعه در خطر ترک قرار می‌گیرد دیگر احتمال تأثیر و شرط عدم ضرر دیگر وجود ندارد و حتی در صورت عدم تأثیر و یا وجود ضرر باید امر به معروف و نهی از منکر کرد مانند سیدالشهداء که به خاطر امر به معروف و نهی از منکر جان خود را نیز اهداء کرد.

۹. مراتب امر به معروف و نهی از منکر را ذکر کرده و توضیح دهید.

۱. مرتبه قلبی؛ منظور از مرتبه قلبی این است که انسان در درون خویش از منکر نفرت داشته و معروف را دوست بدارد. ۲. مرتبه زبانی؛ منظور از مرتبه زبانی، این است که به هنگام مشاهده منکر، صرفاً نباید به ناخشنودی قلبی و درونی اکتفا شود، بلکه باید این ناخشنودی خود را به زبان آورده و اعتراض خود را نسبت به منکر به گوش فرد برسانیم. ۳. مرتبه عملی؛ اگر مراحل قلبی ناکارآمد و ناکافی بود، باید دست به اقدام زده، عملاً وارد میدان شویم. این مرحله وظیفه حکومت اسلامی است.

۱۰. منظور از مبارزه منفی و مثبت با منکرات را با ذکر مثال بیان کنید.

۱. مبارزه ایجابی و مثبت؛ به این صورت که وقتی با منکری مواجه می‌شویم، با قاطعیت و جدیت تمام در مقابل آن ایستاده و در حد توانایی خویش از وقوع یا تکرار آن جلوگیری نماییم. البته قاطعیت و جدیت به معنای تندی و خشونت نیست. اصولاً امر و نهی هنگامی تأثیرگذار است که همراه با همدلی و مدارا باشد. ۲. مبارزه سلبی یا منفی؛ به این صورت است که مثلاً از نشست و برخاست با مرتکبان گناه و تارکان واجبات پرهیز کرده، دوستی و رفاقت خود را با آنان قطع کنیم. البته این کمترین کاری است که هر مسلمانی در مواجهه با وقوع منکرات می‌تواند انجام دهد.

۱۱. نقش دوست را در زندگی و شخصیت انسان تبیین نمایید.

یکی از نخستین راه‌ها برای قضاوت درباره شخصیت افراد، شناخت معاشران و دوستان آنان است. بهره‌مندی از معاشران خوب، در کنار رازداری، مساوی با بهره‌مندی از خیر دنیا و آخرت است. در مقابل، داشتن دوستان بد، قطعه‌ای از آتش و آفت خیر و فضیلت است. امام علی در این باره می‌فرماید: "با انسان‌های شرور معاشرت

نکن، چرا که طبع تو، ناآگاهانه، از طبع او می‌دزدد". بنابراین هرگز نباید با این تصور که من تحت تأثیر بدی دیگران واقع نمی‌شوم، با انسان‌های بد معاشرت داشت.

## ۱۲. چرا دوستی ورزیدن با چاپلوسان و بی‌تقویان نهی شده است؟

حضرت علی(ع) می‌فرماید: "با چاپلوس معاشرت نکن چرا که کارش را در نظر تو زیبا جلوه می‌دهد و دوست دارد که تو هم مثل او باشی". خداوند در سوره انعام می‌فرماید: "هرگاه کسانی را دیدی که آیات ما را استهزا می‌کنند، از آنان روی بگردان تا به سخن دیگری بپردازند و اگر شیطان از یاد تو ببرد، هرگز پس از یاد آمدن با این جمعیت ستمگر منشین".

## نمونه سوال

### ۱. به چه دلیل برخی از افراد از معاشرت پرهیز می‌کنند؟

در طول تاریخ همواره گروه‌هایی بوده و هنوز هم هستند که از معاشرت با دیگران پرهیز داشته و زندگی در انزوا و خلوت را ترجیح داده‌اند. دلیل انزوا و گوشه‌گیری این گروه‌ها: ۱. اجتماع و زندگی اجتماعی با دیگران را زمینه ساز گناه و انحراف می‌دانند. ۲. معاشرت با دیگران را زمینه ساز بسیاری از رذایل اخلاقی مانند غیب، حسد و ... می‌دانند. ۳. انزوا باعث می‌شود انسان با خیالی آسوده و بدون دغدغه فکری به عبادت و راز و نیاز با معبود بپردازد. ۴. از آسیب تهمت و حسادت و سوء ظن مردمان بد اندیش در امان می‌مانند. ۵. انسان از مشاهده افراد پست نجات می‌یابد و مجبور نیست که هر از گاهی با آن‌ها برخورد داشته باشد.

### ۲. جایگاه معاشرت در زندگی اجتماعی چیست؟

حقیقت آن است که معاشرت و ارتباط سازنده با دیگران، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین نیازهای روحی و روانی آدمیان است. یعنی ذات و فطرت آدمی به گونه‌ای است که حتماً باید زندگی اجتماعی داشته باشد. شاید اطلاق کلمه "انسان" به دلیل نیازمندی او به انس و الفت با دیگران است. به هر حال هیچ انسانی در شرایط عادی، به تنهایی توانایی بقاء و ادامه حیات را ندارد. انسان در معاشرت با دیگران است که می‌تواند خود را بهتر بشناسد، ویژگی‌ها و توانایی‌ها خود را دریابد و تصویری واقع‌بینانه از خود به دست آورد.

### ۳. این عبارت که معاشرت مطلوبیت ذاتی ندارد به چه معناست؟

معاشرت به طور مطلق و با همه انسان‌ها نه قابل توصیه است و نه قابل تحذیر. به عبارتی می‌توان گفت که معاشرت با دیگران دو گونه است: ۱. معاشرت مطلوب و سازنده. ۲. معاشرت نامطلوب و مخرب. معاشرت، به خودی خود، مطلوبیت ذاتی ندارد بلکه خوبی یا بدی آن بستگی به دو چیز دارد: ۱. هدف از معاشرت. ۲. نوع تأثیر آن در کمال مطلوب انسان. پیامبر اکرم (ص) در این باره به ابوذر غفاری فرمودند: "ای ابوذر، همنشین صالح بهتر از تنهایی و انزوا است و تنهایی بهتر از همنشین ناصالح است".

#### ۴. اهتمام به امور مردم از چه جنبه‌هایی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تصور عموم از بشردوستی اهتمام به امور مردم، مسائل مادی و رفاهی است. حتی برخی از نویسندگان در این باره گفته‌اند: "بشردوستی عبارت از در نظر گرفتن حقوق مردم و سعی در رفاه حال آنان است". روشن است که امور مردم منحصر در امور مادی و رفاهی و خدمت به آنان منحصر در امور مادی و دنیوی نیست، بلکه امور معنوی و خدمات روحانی به مردم، اهمیت بیشتری دارد.

#### ۵. امر به معروف و نهی از منکر به چه معناست؟

امر به معروف و نهی از منکر، بهترین و زیباترین نشانه اهتمام به امور خلق و توجه به مسائل مسلمانان است. امر به معروف و نهی از منکر، یعنی در برابر دیگران احساس مسئولیت کردن؛ یعنی دغدغه هدایت و ارشاد دیگران را داشتن؛ یعنی احساس مسئولیت در برابر حقیقت.

#### ۶. اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در اسلام چگونه است؟

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در اسلام، به دلیل نقش پایه‌ای و اساسی آن در تحقق سایر احکام و دستورات دینی است. در این مورد می‌توان به سخنی از پیامبر اکرم(ص) اشاره کرد که می‌فرمایند: " خداوند نسبت به مؤمن ضعیفی که دین ندارد، خشمگین است". از آن حضرت پرسیده شد که منظور از مؤمن ضعیفی که دین ندارد کیست؟ آن حضرت در پاسخ فرمود: "کسی که نهی از منکر نمی‌کند".

#### ۷. شرایط امر به معروف و نهی از منکر را نام ببرید.

۱. شناخت معروف و منکر. ۲. احتمال تأثیر (زیرا هدف اصلی این فریضه، تحقق معروف‌ها و جلوگیری از وقوع منکرها و یا رفع آن‌ها است). ۳. اصرار بر انجام منکرات و نادیده گرفتن معروف‌ها.

#### ۸. آسیب‌های معاشرت با دیگران کدام‌اند؟

۱. دخالت در امور خصوصی؛ امر به معروف و نهی از منکر، مربوط به حیات اجتماعی است و باید از کشاندن آن به حریم خصوصی افراد، پرهیز کرد. نهایت جهل است که برای امر به معروف و نهی از منکر، خود مرتکب منکر شده و معروف را باز گذاریم. ۲. شایعه پراکنی؛ پیامبر اکرم(ص)، در توصیه خود به ابوذر غفاری می‌فرماید: " ای ابوذر، برای دروغگو بودن فرد همین بس که هرچه را می‌شنود، بازگو نماید". یعنی حتی در جایی که شنیده‌های او عین واقع باشد، اما او بدون تحقیق و بررسی به بازگویی آن‌ها بپردازد، دروغگو به حساب می‌آید. بنابراین، شایعه پراکنی از مصادیق دروغ به حساب می‌آید. ۳. سوء استفاده از دیگران؛ هرگز نباید معاشرت با دیگران را به عنوان پلی برای رسیدن به مطامع و خواسته‌های شخصی خود قرار دهیم.

#### ۹. ویژگی‌های دوست در کلام امام صادق (ع) چیست؟

۱. ظاهر و باطن دوست باید یکسان باشد. ۲. زینت دوستش را زینت خود و ننگ او را ننگ خود بدانند. ۳. ثروت و قدرت، رفتار او را تغییر ندهد. ۴. چیزی را از دوستش دریغ نرزد. ۵. در سختی‌ها دوست خود را رها نکند.

#### ۱۰. اهمیت اعتدال در دوستی را توضیح دهید.

نکته مهمی که در باب روابط میان دوستان، مهم است، "حد ننگ داشتن" در دوستی است. همواره باید به این اصل توجه کنیم که نباید همه اسرار خود را بری دوستان، فاش کرد. زیرا هر دوستی ای ممکن است روزی به دشمنی تبدیل شود. در دشمنی نیز باید همین مسئله را مراعات کرد. اگر با کسی اختلافی پیدا کردیم، نباید کاری کنیم که هر گونه راه بازگشت را بر روی خود و او ببندیم. زیرا تجربه نشان داده است که بسیاری از دشمنی‌ها به دوستی تبدیل خواهد شد.



## فصل ششم: اخلاق جنسی

### پرسش‌ها

#### ۱. اخلاق جنسی را تعریف کرده و مهمترین مسائل آن را بیان کنید.

اخلاق جنسی به سلسله مباحث فلسفی و اخلاقی گفته می‌شود که حول محور غریزه جنسی و مسائل مربوط به آن شکل می‌گیرد. مسائلی از قبیل ضرورت یا عدم ضرورت کنترل غریزه جنسی، خوب یا بد بودن حیای زن، غیرت مردان، وفاداری همسران، پوشش و حجاب زنان، زنا، همجنس‌بازی و ازدواج از مهم‌ترین مسائل اخلاق جنسی به شمار می‌آیند.

#### ۲. دیدگاه تفریبطی درباره غریزه جنسی را ذکر و نقد نمایید.

همواره افراد آیین‌ها و گروه‌هایی بوده‌اند که علاقه و غریزه جنسی را یک غریزه ذاتا پلید، زشت و شیطانی دانسته‌اند. اینان آمیزش جنسی را به طور کلی حتی از طریق آمیزش با همسر قانونی و شرعی، کاری زشت و شیطانی دانسته و معتقدند عامل اصلی تباهی فرد و جامعه غریزه جنسی است و راه‌هایی از همه مصیبت‌ها و گرفتاری‌های روحی و اجتماعی، تحت کنترل درآوردن این غریزه و نادیده گرفتن آن است. طرفداران این دیدگاه جهاد با نفس را که پیامبر گرامی اسلام (ص) آن را بزرگ‌ترین و برترین جهاد خوانده‌اند، مساوی با نفس‌کشی و از میان برداشتن غرایز، آن هم به شیوه مرتاضان هندی و راهبان مسیحی می‌پندارند. در حالی که جهاد با نفس هرگز سرکوب کردن قوا و نادیده گرفتن غرایز سازگار نیست. جهاد با نفس در حقیقت به معنای تعدیل قوا و رعایت عدالت میان آنهاست.

#### ۳. دو دلیل از ادله دیدگاه افراطی فروید و فرویدیسم را درباره غریزه جنسی بیان و نقد نمایید.

دلیل ۱؛ ریشه بیماری‌های روحی و روانی بشر ایجاد محدودیت‌های جنسی است. نقد؛ آزادی همه جانبه در ارضای غریزه جنسی نه تنها موجب دستیابی به سعادت و نجات از بیماری‌های روانی نخواهد شد، که آشفتگی روحی و روانی شدیدتری را در پی خواهد داشت. دلیل ۲؛ هرگونه ممنوعیتی حرص آور است و نتیجه عکس می‌دهد. نقد؛ در جوامعی که آزادی جنسی وجود دارد هر چند ممکن است که از حیث نگاه به جنس مخالف ارضا شده و تحت فشار روحی قرار نداشته باشند اما آمار نشان می‌دهد بیشتر جوانان در این جوامع برای ارتباط جنسی خود را تحت فشار می‌بینند. نباید از روحیه تنوع‌طلبی بشر غافل بود.

#### ۴. دیدگاه اسلام را درباره غریزه جنسی به طور دقیق توضیح دهید.

غریزه جنسی از دیدگاه اسلام یکی از بزرگترین نعمت‌های الهی و حکیمانه‌ترین وسیله‌ای است که تداوم زندگی بشر و بقای نسل انسانی را تضمین می‌کند. اسلام نه تنها میان «معنویت» و «بهره‌مندی از لذات جنسی» منافاتی نمی‌بیند بلکه بهره‌مندی مشروع از این غریزه را شرط تکامل معنوی انسان و وسایل وصول

به سعادت واقعی می‌داند. اسلام با دیدگاه فرویدی نیز به شدت مخالف بوده، افسارگسیختگی و بی‌بند و باری جنسی را به شدت نهی کرده است. از دیدگاه اسلام قوای شهوانی و مخصوصاً غریزه جنسی نه علت تامه شقاوت و نه علت تامه سعادت بلکه خوب یا بد بودن آنها، از نظر اخلاقی بستگی به نوع رفتار ما با آنها دارد.

## ۵. دیدگاه خود را درباره نسبی‌گرایی در اخلاق جنسی به صورت مستدل توضیح دهید.

نسبیت اخلاقی به این معنا است که هیچ یک از ارزش‌ها و اصول و احکام اخلاقی ثابت نیستند و همواره به اختلاف زمان و مکان و نسبت به افراد یا توافق جوامع تغییر پذیرند. بنابراین نسبی‌گرایان اخلاقی معتقدند که هیچ حکم اخلاقی ثابت و تغییرناپذیری وجود ندارد و از این جهت وابسته به میل و سلیقه افراد یا قراردادهای خود آنها است. یکی از ادله نسبی‌گرایان اخلاقی تمسک به اختلاف ارزش‌های اخلاقی افراد و جوامع مختلف است. با توجه به مفهوم نسبی‌گرایانه جنسی (یعنی آنچه به لحاظ جنسی در جامعه‌ای خوب است در جامعه دیگر زشت شمرده شود) مثلاً ممکن است در جوامع غربی، بی‌حجابی و یا هم‌جنس‌بازی آزاد باشد ولی این اعمال در اسلام مجاز نیست. هسته اصلی اخلاق جنسی در اسلام را باید در نظریه آن در مورد غریزه جنسی جست که دارای مشخصات زیر می‌باشد: ۱. این میل یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است. ۲. وسیله‌ای برای تداوم زندگی بشر و بقای نوع انسان است. ۳. بین معنویت و بهره‌مندی لذات جنسی دوگانگی دیده نمی‌شود. ۴. اسلام با رهبانیت و مبارزه با غریزه جنسی مخالف است. بر این اساس فضایل اخلاقی مربوط به غریزه جنسی (عفت و پاکدامنی: کنترل جنسی در چارچوب شرع، حجاب و ترک خودنمایی در انظار عمومی، غیرت) تنها در سایه ۱. خداشناسی و تقویت ایمان به خدا و پیامبر و رعایت دستورات دینی ۲. خودشناسی و درک درست از خویشتن و توجه به ارزش‌ها ۳. شناخت امور و پیامدهای ناگوار دنیوی و اخروی شهوترانی، کسب می‌گردند.

## ۶. مهم‌ترین عوامل شهوت‌پرستی و شهوترانی را ذکر کنید.

۱. ضعف در خداشناسی و سستی در ایمان به خدا و پیامبر و عدم رعایت دستورات دینی. ۲. ضعف در خودشناسی و نداشتن درکی درست از خویشتن و فروکاستن ارزش انسانی خود تا سر حد حیوانات. ۳. ضعف در شناخت حقایق امور و عدم شناخت پیامدهای ناگوار دنیوی و اخروی شهوترانی.

## ۷. مکتب لذت‌گرایی حسی را نقد کنید.

نظریه آریستیپوس بر این نکته تأکید دارد که هر چیزی که دارای لذت حسی باشد، ذاتاً خوب است و ارزش هر چیز دیگری تنها و تنها با همین معیار سنجیده می‌شود. آریستیپوس سعادت را با لذت یکی می‌داند اما بر این باور است که افراط در لذت به الم منتهی می‌شود و محدود سازی تمایلات یکی از شرایط ارضای آنها است. به عقیده او تنها لذت است که انسان را به ادامه حیات وامی‌دارد. نقد؛ ۱. چه بسیاری لذات آنی و زودگذری که منشاء آلام و بلایای فراوانی در آینده می‌شوند و چه بسیاری آلام و رنج‌های فعلی و موقتی‌ای

که سرچشمه آسایش و راحتی در آینده ۴. این نظریه مخالف فهم متعارف از اخلاق بوده و در حقیقت معنایی جز نفی اخلاق ندارد. زیرا معنایی که عموم مردم از اخلاق می‌فهمند این است که برخی از صفات و افعال انسانی ممدوح و پسندیده‌اند و برخی دیگر مذموم و ناپسند. عقل سلیم حکم می‌کند که اخلاق همواره با لذات حسی و جسمانی مطابقت ندارد. ۳. لذت را منحصر در لذات دنیوی و این جهانی پنداشته و از لذات اخروی و پایدار و حقیقی غفلت ورزیده است و همین امر باعث شده است که از شناخت لذات کامل‌تر و خالص‌تر و پایدارتر اخروی باز مانده و به لذات حسی و محدود و مقطعی این دنیا دل خوش دارند. ۴. این لذات آنی و زودگذر همگی مربوط به غرایز است. در حالی که انسان، منحصر در غرائز نیست.

## ۸. پیامدهای سوء فردی، اجتماعی و دینی تجرد را بشمارید

از انواع آسیب‌های پیش روی افراد مجرد می‌توان به گرایش به مصرف مواد مخدر و روان‌گردان که معمولاً از سیگار شروع می‌شود، اشاره کرد. همچنین افزایش تجرد و استمرار تنهایی می‌تواند زمینه‌ای برای گرایش به انحرافات اخلاقی باشد. اما بخش مهم دیگری که در این حوزه می‌توان به آن اشاره کرد، تأخیر در سن ازدواج یا بالارفتن میانگین سن ازدواج است. عدم مسئولیت‌پذیری در قبال خانواده و دیگران می‌تواند یکی دیگر از پیامدهای اجتماعی تجرد باشد البته این مشمول همه افراد مجرد نیست. ضمناً اگر افراد مجرد، بیکار نیز باشند، مسائل در این موضوع حادث‌تر می‌شود به طوری که حتی استمرار بیکاری می‌تواند زمینه فشارهای روانی را در افراد افزایش دهد لذا زندگی مجردی و بالارفتن فراوانی افراد مجرد در جامعه‌ای که در آن برای جوانان برنامه ریزی نشود، عوارض منفی و ناگواری را می‌تواند به دنبال داشته باشد. هر دو دختر و پسر در صورت استمرار تجرد در معرض حوادث مختلفی هستند اما طبیعتاً پسران به دلیل این که از آزادی عمل بیشتری برخوردارند معمولاً خطرات آنها را بیشتر تهدید می‌کند. مزاحمت‌های خیابانی، قرار گرفتن در کنار باندهای هنجارشکن، شرکت در پارتی‌ها و مصرف مشروبات الکلی در این پارتی‌ها و جشن‌های مختلط که همگی مثل زنجیر به هم وصل می‌شوند، از جمله خطراتی است که برخی از پسران مجرد را تهدید می‌کند. و اما برای دختران احساس تنهایی و انزوا، سرخوردگی، احساس پوچی، فساد اخلاقی و نداشتن تجربه مادری، از پیامدهای فردی هستند. از سویی با فوت پدر و مادر دختر بدون حامی باقی می‌ماند که دولت باید وارد حمایت‌های مراقبتی و بیمه‌ای شود. کاهش مولید و پایین آمدن نرخ فرزندآوری، جامعه بی‌روح، بی‌احساس و بی‌هدف، از بین رفتن قداست خانواده و ازدواج سفید از پیامدهای تجرد قطعی در جامعه است.

## ۹. ویژگی‌های همسر شایسته را بیان کرده و برای هر کدام از آنها یک مستند قرآنی یا حدیثی بیاورید.

۱. اصالت خانوادگی: یکی از مهمترین شرایط همسر خوب اصالت خانوادگی است. جوانان باید بدانند دختران یا پسرانی که دارای خانواده اصیل نیستند، چندان قابل اعتماد نخواهد بود. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: "ای مردم از گیاهان سبز و خرمی که در مزبله رشد کرده‌اند بپرهیزید. یعنی دختر زیبایی که در خانواده‌ای بد رشد کرده است". ۲. تقوا و تدین: کمترین درجه تقوا، که نادیده گرفتنش در امر انتخاب همسر آفات و

آسیب‌های فراوانی را در پی خواهد داشت، انجام واجبات و ترک محرمات است. امام صادق (ع) می‌فرماید: "اگر کسی به دلیل زیبایی یا ثروت با یک زن ازدواج کند، خداوند او را به همان‌ها واگذار می‌کند اما اگر معیار او در انتخاب همسرش دین او باشد خداوند زیبایی و ثروت را نیز به او عطا می‌کند".<sup>۳</sup> اخلاق نیک: همسر خوب کسی است که آراسته به فضایل اخلاقی باشد و در حد توان خودش درصدد دوری از رذایل و زشتی‌های اخلاقی باشد. در روایتی از امام رضا (ع) نقل شده است که می‌فرماید: "دختر خود را به شراب‌خوار ندهید وگرنه مانند این است که او را به سوی زنا سوق داده باشید".

#### ۱۰. فلسفه حجاب در اسلام را به اختصار بیان کنید دیدگاه خود را در این زمینه شرح دهید.

حجاب اختصاص به زنان نداشته و شامل مردان نیز می‌شود اما نوع پوشش زنان به دلیل ساختار خاص جسمانی شان، مورد تأکید بیشتر قرار گرفته است. اسلام با تشریح حکم حجاب خواسته است که: اولاً؛ به بهداشت روانی زنان و مردان کمک کند زیرا اگر میان زن و مرد حریمی وجود نداشته باشد و زنان همه زیبایی خود را در منظر مردان قرار دهند، این کار از سویی آرامش روحی و روانی مردان را به هم می‌ریزد. از سویی دیگر مردان برای ارضای تقاضاهای جنسی تحریک شده خود دست به هر کاری خواهند زد و آرامش و امنیت را از زنان خواهند گرفت. ثانیاً؛ روابط خانوادگی را استوار کند و از فروپاشی نظامی خانواده جلوگیری نماید. آزادی جنسی و بی‌حجابی زنان در جامعه موجب سست شدن پایه‌های روابط خانوادگی خواهد شد. ثالثاً؛ شخصیت و کرامت زن را تأمین می‌کند و او را از یک شخصیت ابزاری به شخصیتی مستقل تبدیل نماید. رابعاً؛ حریم اجتماع را از بی‌عفتی و آلودگی‌های جنسی نگه دارد.

### نمونه سوال

#### ۱. دیدگاه رهبران مسیحی نسبت به ازدواج و رابطه جنسی چیست؟

رهبران مسیحی نیز هرچند ازدواج را به طور کلی تحریم نمی‌کنند اما آن را عملی ذاتاً پلید می‌دانند در مسیحیت دو چیز است که ازدواج را برای مسیحیان عادی مشروع می‌کند حفظ نسل و دفع افسد به فاسد. مسیحیان معتقدند کسی که می‌خواهد رهبری دینی مردم را به عهده بگیرد باید همچون عیسی مسیح که تا آخر عمر مجرد باقی ماند، در سراسر عمر خود از آمیزش جنسی دوری کرده باشد.

#### ۲. تفاوت جهاد با نفس و نفس‌کشی در اسلام چیست؟

طرفداران دیدگاه تفریطی جهاد با نفس را که پیامبر گرامی اسلام (ص) آن را بزرگ‌ترین و برترین جهاد خوانده اند، مساوی با نفس‌کشی و از میان برداشتن غرایز، آن هم به شیوه مرتاضان هندی و راهبان مسیحی می‌پندارند. در حالی که جهاد با نفس هرگز سرکوب کردن قوا و نادیده گرفتن غرایز سازگار نیست. جهاد با نفس در حقیقت به معنای تعدیل قوا و رعایت عدالت میان آنهاست. نگرش تفریطی به غریزه جنسی در میان

مسلمانان صدر اسلام نیز وجود داشت و پیامبر اکرم و امامان معصوم (ع) به شدت با این نگرش به مبارزه پرداختند.

### ۳. مبانی تفکر افراطی فروید را نام ببرید.

هرگونه ممنوعیتی حرص آور است و نتیجه عکس می‌دهد، ریشه بیماری‌های روحی و روانی بشر ایجاد محدودیت‌های جنسی است، خداوند غرایز را بی‌جهت به ما نداده و هرگز نباید هیچ یک از آنها را نادیده گرفت، اگر امیال جنسی وجود نداشت و یا به نحو نامناسب سرکوب نمی‌شد، از دین هم خبری نبود.

### ۴. خودشناسی چگونه باعث دوری از شهوترانی می‌شود؟

کسی که به گوهر عظیم و گران‌قدر خود واقف باشد و عظمت وجودی انسان را درک کند، هرگز حاضر نیست وجود خود را با دنباله‌روی از شهوات تا سر حد حیواناتی چون خوک و خروس پایین آورد.

### ۵. تأثیر ایمان در دوری از شهوات چگونه است؟

به یقین کسی که خدای بزرگ را همواره حاضر و ناظر رفتارهای خودش ببیند، هرگز به خود اجازه نمی‌دهد در محضر او، دست به سوی گناه دراز کند.

### ۶. دیدگاه اسلام درباره ازدواج چیست؟

در اسلام هیچ بنایی محبوب‌تر از بنای ازدواج نیست و دو رکعت نماز شخص ازدواج کرده برتر از هفتاد رکعت نماز انسان عزب ارزیابی شده است. در روایات آمده است جوانی که در آغاز جوانی‌اش ازدواج کند شیطان خود را نسبت به دو سوم دینش ناامید کرده است. اگر کسی به سبب ترس از فقر و مشکلات اقتصادی از ازدواج خودداری کند در حقیقت نسبت به خداوند بدگمان است زیرا خداوند وعده تأمین روزی را داده است.

### ۷. یک مورد از وظایف مسلمانان نسبت به ازدواج جوانان را توضیح دهید.

یکی از وظایف اجتماعی مسلمانان این است که وسایل ازدواج جوانان را فراهم سازند و آنان را در این مهم یاری نمایند. امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرماید: "برترین واسطه‌گری‌ها واسطه‌گری در امر ازدواج است". امام صادق (ع) می‌فرماید: "کسی که وسایل ازدواج را برای شخصی فراهم کند، روز قیامت مورد توجه خاص خداوند قرار می‌گیرد".

### ۸. چرا تقوا به عنوان یک ویژگی کلیدی در انتخاب همسر باید در نظر گرفته شود؟

یکی دیگر از مهمترین شرایط همسر خوب، «تقوا و تدین» اوست. البته تقوا درجات بسیار دارد. کمترین درجه آن، که نادیده گرفتنش در امر انتخاب همسر آفات و آسیب‌های فراوانی را در پی خواهد داشت، انجام

واجبات و ترک محرمات است. دختران و پسران جوان بدانند کسی که در برابر خدای جهان و خالق هستی کرنش نکرد و به دستورات او بی‌اعتنایی نمود، در برابر همسرش هم کرنش نخواهد داشت و ارزشی برای او قائل نخواهد شد کسی که در برابر آن همه نعمت خداوند حاضر نشد شکر او را به جا آورد و حتی حاضر نشد نمازهای روزانه را انجام دهد، چگونه می‌توان پذیرفت که قدردان زحمات و تلاش‌های همسرش باشد.

#### **۹. عفت به چه معناست؟**

عفت عبارت است از تسلیم و انقیاد شهوت در برابر عقل؛ یعنی قوه شهوانی انسان کارهای خود را بر اساس دستور عقل انجام دهد. عفت یعنی اعتدال در بهره‌مندی از شهوات. عقیف به کسی گفته می‌شود که در حد اعتدال و در چارچوب عقل و شرع، از شهوات بهره ببرد و به وادی افراط (شره) و تفریط (خمودی) کشیده نشود. عفت جنسی یعنی کنترل غریزه جنسی و محدود ساختن آن در چارچوبه عقل و شرع. پاکدامنی و عفت، به ویژه در دوران جوانی بهره‌مندی از موهبت‌های ویژه الهی را در پی دارد. به تعبیر امام علی (ع) عفت رأس هر خیری است.

#### **۱۰. غیرت جنسی را تعریف کنید.**

غیرت اصطلاحاً به معنای کوشش در محافظت از چیزهایی است که محافظت از آنها لازم است. غیرت یکی از شریف‌ترین فضایل اخلاقی است. البته نباید آن را به غیرت در مسائل جنسی و ناموسی منحصر دانست بلکه در مسائل دینی و تربیت فرزندان و مسائل مالی و امثال آن نیز جریان دارد. غیرت جنسی نوعی پاسبانی است که برای مشخص بودن و مختلط نشدن نسل‌ها در وجود بشر نهاده شده است.

## فصل هفتم: اخلاق سیاست

### پرسش‌ها

#### ۱. دو تقریر نظریه جدایی اخلاق از سیاست را ذکر کرده و نقد نمایید.

برخی از نویسندگان بر این باورند که قلمرو اخلاق، از قلمرو سیاست کاملاً جدا است. به تعبیر دیگر اخلاق و سیاست را مربوط به حوزه رفتاری کاملاً متمایز می‌دانند. برخی دیگر از طرفداران این نظریه تقریر دیگری از نظریه جدایی اخلاق و سیاست ارائه داده‌اند. به این صورت که به دو نوع سیستم اخلاقی قائل شده‌اند: اخلاق فردی؛ اخلاق سیاسی و اجتماعی. اینان تأکید می‌کنند که فضایل و رذایل مربوط به این دو سیستم هر چند جنبه‌های مشترکی ممکن است داشته باشند، اما وجوه افتراق آنها از یکدیگر به اندازه‌ای زیاد است که این سیستم را از یکدیگر منفک می‌کند. نقد؛ این نظریه با هر دو تقریر آن، ناشی از درک نادرست اخلاق و احکام اخلاقی است. موضوع احکام اخلاقی افعال اختیاری انسان است. رفتارها، تصمیمات سیاسی، به عنوان بخشی از افعال اختیاری انسان همچون رفتارهای فردی و الهی او مورد ارزش گذاری اخلاقی قرار می‌گیرند. بنابراین هرگز نمی‌توان اخلاق و ارزش‌های اخلاقی را منحصر به قلمرو رفتارهای فردی کرده و افعال سیاسی و اجتماعی را تحت آن خارج کرد. ملاک ارزش اخلاقی افعال اختیاری انسان، مصلحت عمومی و واقعی فرد و جامعه است.

#### ۲. نظریه اصالت سیاست را توضیح داده و نقد کنید.

بر اساس این نظریه همه رفتارهای اخلاقی، تحت سیطره و سیادت سیاست است. ارزش‌های اخلاقی تابع مصالح سیاسی و ارزش‌هایی است که رهبران سیاسی معین می‌کنند. هر کاری که در خدمت تامین منافع سیاسی جامعه یا حزب یا گروه خاصی باشد، ارزشمند بوده و فضیلت به شمار می‌آید و هر کاری که مارا از دستیابی به اهداف و اغراض سیاسی جامعه یا حزب و امثال آن دور کند، کاری ناپسند بوده و از رذایل اخلاقی است. نقد؛ نخستین اشکال این نظریه پذیرش نسبیت‌گرایی است. بر اساس این نظریه نمی‌توان هیچ حکم اخلاقی ثابتی داشت؛ اخلاق؛ کاملاً در خدمت سیاست است. اشکال دیگر این نظریه آن است که طراحان این نظریه معنای واقعی سیاست را به درستی درک نکرده‌اند. اینان در حقیقت، سیاست را نه برای وصول به سعادت حقیقی، بلکه برای ارضای شهوات و غرایز حیوانی خود می‌خواهند.

#### ۳. دیدگاه اسلام را درباره رابطه اخلاق و سیاست تبیین نمایید.

نظریه مقبول معقول در زمینه رابطه اخلاق و سیاست، این است که اصالت با اخلاق و ارزش‌های اخلاق بوده و ارزش‌های سیاسی نیز تابع و زیر مجموعه اخلاق هستند. بر اساس این دیدگاه، معیارهای اخلاقی در همه جا و برای همه افراد، اعم از زمامداران و شهروندان عادی، یکسان است. الگوی علمی و عملی این

دیدگاه، در جهان اسلام بلکه در سراسر تاریخ بشر، کسی نیست جز علی بن ابی طالب (ع) او کسی بود که هم در کردار و هم در گفتار خود به خوبی نشان داد که هرگز نباید اخلاق را فدای سیاست کرد. بر اساس منطق اخلاق و سیاسی امام علی (ع) هیچ کس اخلاقاً مجاز نیست که حفظ قدرت خود هر چند حق باشد و انگیزه الهی داشته باشد مرتکب کارهای خلاف شرع شود. هرگز نباید با توسل به راه‌های نامشروع در اندیشه کسب یا حفظ قدرت خود باشیم.

#### **۴. وظایف اخلاقی مردم را در انتخاب مسئولان و مدیران نام برده و به اختصار توضیح دهید.**

۱. رعایت تناسب میان فرد و مسئولیت مورد نظر؛ عدم رعایت این شرط موجب هدر رفتن نیروها و ضایع شدن امکانات و یاس و ناامیدی متخصصان و ده‌ها آفت و آسیب اجتماعی و روحی دیگر خواهد داشت. ۲. توجه به سوابق کاری (تجربه)؛ به هر اندازه‌ای که یک فرد از تجربه بیشتری برخوردار باشد، به همان اندازه نیز بهتر می‌تواند زیر مجموعه خود را کنترل و هدایت کند. ۳. توجه به اصالت خانوادگی؛ کسی را که برای واگذاری مسئولیتی انتخاب می‌کنیم. باید از هر نظر شایسته باشد. ۴. توجه به سوابق دینی و اخلاقی؛ کسی که به دین و موازین دینی و ضوابط اخلاقی پایبند نباشد نه می‌تواند به درستی به مردم خدمت کند و نه می‌تواند احکام دینی را در جامعه اجرا کند و نه می‌تواند گامی در جهت توسعه اخلاقی جامعه بردارد. ۵. خودداری از انتخاب نالایق؛ باید به شدت مراقب بود که امانت الهی را به دست چه کس یا کسانی می‌سپاریم. ۶. مشورت و رایزنی؛ از آنجا که همه از تخصص و آگاهی لازم برای شناخت مدیران و مسئولان لایق و مناسب برای مناصب حکومتی برخوردار نیستند، عاقلانه‌ترین راه این است که با صاحب‌نظران و آگاهان و دلسوزان مشورت کنند.

#### **۵. دیدگاه ماکیاوولی را درباره نوع رابطه حاکم با مردم ذکر کرده و نقد نمایید.**

ماکیاوولی، درباره نوع رابطه حاکم بر مردم می‌گوید: «آیا بهتر آن است که بیش دوستانمان بدارند تا از ما بترسند یا آنکه بیش بترسند تا دوستانمان بدارند؟ پاسخ این است که هر دو: یعنی هم بترسند و هم دوستانمان بدارند؛ اما از آنجا که داشتن این هر دو حال دشوار است، اگر قرار باشد یکی از آن دو را برگزینیم، باید گفت همان به که بترسند تا دوست بدارند...» معنی این سخنان آن است که حاکم باید با مردم همچون دشمن برخورد کند. در نظام اسلامی این رابطه کاملاً برعکس است؛ حاکمان و مدیران باید به مردم به عنوان ولی‌نعمت خود نگاه کنند. صرف نظر از اینکه برخلاف نظر ماکیاوولی، محبت فعال به مردم موجب تداوم و پایداری پست و مقام مدیران و دولتمردان می‌شود.

#### **۶. وظایف اخلاقی مردم در قبال حاکمان و مسئولان خود را نام برده و توضیح دهید.**

۱. همراهی؛ حاکمان و مسئولان جامعه، زمانی می‌توانند به اهداف خود، اعم از اهداف مادی و معنوی، دست یابند که مردم، احکام و دستورات آنان و قوانین مورد تاییدشان را پیروی کنند. ۲. امر به معروف و نهی از



منکر؛ اگر مردم به درستی به این وظیفه خود عمل کنند درصد خطا و اشتباه و یا انحراف مسئولان جامعه را تا حد صفر پایین می آورند.

## ۷. مهم ترین لغزشگاه های اخلاقی حاکمان را ذکر کنید.

۱. ریاست طلبی؛ این آفت موجب هلاکت و نابودی دین و دنیای آنان خواهد شد. ۲. تکبر؛ انسان های شریف و با ظرفیت، هرگز فریفته پست و مقام دنیوی نشده و به سبب آن مبتلا به آفت تکبر و خودخواهی نخواهند شد. ۳. خودرأیی و استبداد در تصمیم گیری؛ مشورت با مردم موجب شخصیت دادن به آنان، تقویت روحیه همکاری و همیاری اجتماعی، ایجاد انگیزه فعالیت و مشارکت عمومی و تقسیم قدرت و مسئولیت با مردم می شود.

## نمونه سوال

### ۱. نقش حیا در مسئولان و مدیران چیست؟

تجربه یکی دیگر از ویژگی های لازم برای انتخاب مسئولان است. امام علی (ع) در کنار تجربه مسئله حیا را نیز یادآور می شود؛ زیرا روشن است که افراد با تجربه اگر ناپاک باشند، به مراتب خطرناک تر و مخرب تر از دیگران خواهند بود.

### ۲. مثالی از رعایت تناسب فرد و مسئولیت بیان کنید.

حضرت یوسف (ع) زمانی که خود را برای مسئولیت خزانه داری معرفی کرد، به دو ویژگی خود که متناسب با این مسئولیت هستند، یعنی امانتداری و آگاهی، اشاره کرد و گفت «مرا سرپرست خزاین سرزمین مصر قرار ده، که نگهدارنده و آگاهم».

### ۳. تأثیر خانواده برای انتخاب مدیران چگونه است؟

یکی دیگر از ملاک های انتخاب مسئولان توجه به اصالت خانوادگی افراد است. خانواده و تربیت خانوادگی یکی از مهمترین عوامل شکل دهنده شخصیت افراد است. البته باید توجه داشت که به صرف اصالت خانوادگی نمی توان به کسی اعتماد کرد؛ و هرگز نباید نقش اختیار و آگاهی افراد را در زندگی نادیده گرفت. همچنین به صرف اینکه کسی از خانواده ای ناصالح و بی تقواست، نمی توان گفت که او نیز حتما راه انحراف را در پیش خواهد گرفت.

### ۴. چرا پایبندی به دین و اخلاق برای مسئولان ضروری است؟

کسی که به دین و موازین دینی و ضوابط اخلاقی پایبند نباشد نه می تواند به درستی به مردم خدمت کند و نه می تواند احکام دینی را در جامعه اجرا کند و نه می تواند گامی در جهت توسعه اخلاقی جامعه بردارد.

کسی که در برابر خداوند خود را مسئول نداند، هرگز خود را در برابر مردم مسئول نخواهد دانست؛ هر چند ممکن است برای ظاهرسازی و مردم‌فریبی چنین وانمود کند که مدافع حقوق مرد و جامعه است؛ اما اگر کوچکترین فرصتی به دست آورد، از هیچ خیانتی به مردم و جامعه فروگذار نخواهد کرد.

## ۵. وظایف اخلاقی حاکمان در برابر مردم را نام ببرید.

۱. محبت و مدارا ۲. برخورد صادقانه با مردم ۳. فاصله نگرفتن از مردم ۴. رعایت عدالت ۵. ساده زیستی ۶. آموزش های دینی.

## ۶. محبت و مدارا چه نقشی در رابطه بین حاکمان و مردم دارد؟

محبت فعال به مردم موجب تداوم و پایداری پست و مقام مدیران و دولتمردان می‌شود. در نظام اسلامی این محبت یک وظیفه و دستور دینی است. این وظیفه تا آنجا اهمیت دارد که خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد که «بال عطوفت خود را برای مومنان فروگستر.» مردم‌داری و مدارا هرگز نباید به ارتکاب معصیت خداوند و نادیده گرفتن ارزش‌های الهی بینجامد. سیاستمدار، اخلاقاً حق ندارد برای شادی و خوشباشی مردم، از کنار معاصی و گناهان با تساهل و تسامح بگذرد.

## ۷. ارتباطات مدیران با مردم چگونه باید باشد؟

بهترین راه ارتباطی حاکمان و مدیران با مردم، دیدار حضوری و چهره به چهره است. دیدارهایی که هر کس بتواند خواسته خود را، به خوبی و بدون هیچ ترس و واهمه‌ای بیان کند. با فاصله گرفتن از مردم هرگز نمی‌توان درد واقعی و مشکل حقیقی آنان را تشخیص داد. تجربه نشان داده است که نزدیکان و مقربان حاکمان، معمولاً می‌کوشند تا اوضاع جامعه را برای حاکم به گونه‌ای وانمود سازند که خوشایند او باشد. از این رو در بیشتر موارد حتی اگر از حقیقت امر آگاه باشند آن را به گونه‌ای تعدیل شده و بزک کرده برای شخص حاکم و تصمیم‌گیرنده اصلی وانمود می‌کنند. نتیجه این امر ناآگاهی حاکم از وضعیت واقعی جامعه و مردم است.

## ۸. چرا عدالت یکی از وظایف اصلی مدیران در قبال مردم است؟

یکی از مهم‌ترین وظایف اخلاقی حاکمان در قبال مردم، عدالت‌ورزی است: عدالت‌ورزی در همه شئون حکومت؛ حتی در توزیع امکانات و فرصت‌ها. اجرای عدالت نه تنها از وظایف اخلاقی حاکمان است، بلکه یکی از راه‌های نفوذ در دل و جان مردم نیز به شمار می‌رود. علی (ع) در این باره می‌فرماید: کسی که عدالت بورزد حکمش نافذ می‌شود؛ عدالت بورز تا قدرت و حکومتت تداوم یابد.

## ۹. رابطه صداقت و مدیریت چیست؟

حاکمان باید برخوردی صادقانه با مردم داشته باشند. مشکلات و موانع را با آنان در میان گذارند. ناتوانی‌ها و کوتاهی‌های خود را صادقانه بپذیرند. و اگر برای کم‌کاری‌ها و سستی‌های خود دلیل یا توجیه دارند آن را با مردم بازگو کنند. برخورد صادقانه مردم یعنی اینکه اگر یک مدیر خود را در اجرای مسئولیتش ناتوان می‌یابد و یا نمی‌تواند خودش را از چنگال اطرافیان خائن و نادان نجات دهد، بی‌درنگ استعفا دهد و از اعتماد مردم سوء استفاده نکند و وقتی که می‌بیند که نمی‌تواند امانت‌داری کند، صادقانه و دلاورانه امانت را پس دهد.

#### ۱۰. دیدگاه اسلام نسبت به حق آموزش مردم توسط مسئولان چیست؟

برخی چنین پنداشتند که «حکومت‌ها کاری و وظیفه‌ای بیش از رسیدگی به حاجات اولیه مردم ندارند و نباید داشته باشند. خواه حکومت دینی و خواه حکومت غیر دینی، آنچه را که در درجه اول باید قرار بدهند این است که حاجات اولیه، یعنی، مسکن، غذا، پوشاک، بهداشت و امثال اینها را فراهم کنند» در مقابل، فلسفه حکومت در اسلام، در حقیقت چیزی جز اجرای اسلام و تحقق معارف اسلامی در همه عرصه‌های زندگی بشر نیست. امام علی (ع)، یکی از حقوق مردم بر امام و حاکم اسلامی را حق تعلیم و تربیت دینی آنان دانسته است.

## فصل هشتم: اخلاق مناظره و گفتگو علمی

### پرسش‌ها

۱. در مناظره‌ها و گفتگوهای علمی باید به دنبال چه اهدافی باشیم؟ توضیح دهید.

۱. انگیزه‌های مثبت؛ الف) حق خواهی؛ گاهی برای یک فرد، حقیقت و واقعیت مسئله‌ای روشن نشده‌ای است و با گفتگو و مناظره با دیگران به دنبال فهم حقیقت است. ب) روشنگری؛ یکی از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر در حوزه معرفتی، مناظره با کسانی است که نادانسته و ناآگاهانه در عرصه اندیشه به انحراف کشیده شده‌اند. ۲. انگیزه‌های منفی؛ گاهی هدف از مناظره صرفاً غلبه بر طرف مقابل و به کرسی نشاندن سخن باطل و نادرست و غیر مستدل خود است.

۲. آداب اخلاقی مناظره علمی را ذکر کرده، هر کدام را به اختصار توضیح دهید.

۱. تأکید بر نکات مشترک؛ دو فرد یا دو گروه زمانی می‌توانند به مناظره و گفتگو بپردازند که مشترکاتی با یکدیگر داشته باشند و گرنه اگر بر سر هیچ مسئله‌ای با یکدیگر توافق نداشته باشند، هرگز امکان برقراری گفتگو میان آنان نخواهد بود. ۲. فهم موضوع؛ یکی از ابتدایی‌ترین شرایط تحقق یک مناظره سازنده و سودمند این است که طرفین مناظره نسبت به موضوع بحث و همه ابعاد و جوانب آن آگاهی کافی داشته باشند. ۳. صراحت؛ یکی دیگر از آداب اخلاقی مناظره، «صراحت بیان» و پرهیز از تکلیف و تعارف در گفتار و دوری کردن از به کار بردن سخنان کنایه‌آمیز و چند پهلو و مبهم است. ۴. توجه به گفته و نه گوینده؛ طرفین در بحث و گفتگوی خود همواره باید به بررسی ادله و مستندات یکدیگر بپردازند و هرگز نباید اجازه دهند که مسائل حاشیه‌ای چون انگیزه‌خوانی و بیان اهداف و نیات سوء طرف مقابل و امثال آن، در روند گفتگو اختلال ایجاد کنند. ۵. استدلال طلبی و حق‌محوری؛ یکی دیگر از شرایط تحقق گفتگوی سازنده و مناظره سودمند، این است که طرفین گفتگو حقیقتاً قصد پیروی از واقعیت و حقیقت بر اساس مستندات معقول و مقبول داشته باشند. ۶. ملایمت؛ سلاح منطق و استدلال متقن، به مراتب، برنده‌تر و کارا تر از سلاح خشم و غضب است.

۳. مرأ را تعریف کرده و بگویید که منشأ این رذیله اخلاقی چیست؟

مرأ یعنی «پیکار لفظی و ستیزه در کلام، برای چیره شدن بر طرف مقابل و ساکت کردن او». کسی که دارای روحیه مرأ و جدال است، همواره در پی به کرسی نشاندن سخن خود است هر چند باطل بودن آن برای او آشکار شود. مرأ کننده، در حقیقت خبر از خودخواهی، غرور، تکبر، و خودپسندی خویش می‌دهد. او با رفتارش در برابر حق موضع‌گیری کرده و خود را در زمره اهل باطل و حق ستیزان قرار داده است.

### نمونه سوال

## ۱. جایگاه و اهمیت گفتگو را بیان کنید.

اهمیت مناظره و گفتگو بر کسی پوشیده نیست. بر اساس نص آیات قرآن کریم، خداوند برای آفرینش انسان با ملائکه به گفتگو پرداخت؛ نظر آنان را جویا شد و متناسب با موقعیت و شرایط فرشتگان و مصلحت، پرسش‌های آنان را در زمینه فلسفه آفرینش انسان پاسخ داد. پس از سرپیچی ابلیس از دستور الهی مبنی بر سجده بر آدم، با ابلیس نیز گفتگو کرد علت سرپیچی او را جویا شد و به استمهال ابلیس پاسخ مثبت داد پس از هبوط آدم بر روی زمین نیز همواره، مستقیم و غیرمستقیم، با آدمیان گفتگو داشته است و این جریان نیز تا ابد ادامه دارد.

## ۲. آفات اخلاقی مناظره را نام ببرید.

۱. شخصیت‌زدگی؛ یکی از آفات و آسیب‌های اخلاقی مناظره‌ها و گفتگوهای علمی، این است که به جای ذکر دلیل و بیان استدلال برای نظر خود، شخصیت پیشینیان را محور قرار دهیم، و به جای برخورد منطقی با استدلال‌های طرف مقابل، به تقلید کورکورانه از گذشتگان و سنت جاهلانه آنان بپردازیم. ۲. مرأ یا جدالگری؛ کسی که دارای روحیه مرأ و جدال است، همواره در پی به کرسی نشاندن سخن خود است هر چند باطل بودن آن برای او آشکار شود. مرأ کننده، در حقیقت خبر از خودخواهی، غرور، تکبر، و خودپسندی خویش‌تن می‌دهد.

## ۳. علت خارج شدن روند مناظره از مسیر درست چیست؟

در حقیقت کم‌توجهی به آداب اخلاقی مناظره و یا عدم مراعات هر یک از آنها می‌تواند به روند سالم مناظره آسیب رساند و مسیر درست آن را به انحراف بکشاند. هرگز نمی‌توان جان و دل کسی را که به رگم وجود ادله قوی در برابر دیدگاهش همچنان لجونانه بر آن اصرار می‌ورزد، با حقایق آشنا کرد. چنین کسی در حقیقت با زبان حال، خبر از حق‌گریزی و هواپرستی خود می‌دهد.

## ۴. اهمیت ملایمت در گفتار را بیان کنید.

یکی دیگر از نکات مهم و تاثیرگذار، که همواره در هر مناظره حق‌طلبانه‌ای باید مورد توجه قرار گیرد، «ملایمت» و نرمی در گفتار و کردار است. کسی که دارای سخن و مدعایی منطقی و مستدل است، چه حاجتی به جار و جنجال و خشونت و تندی دارد؟ سلاح منطقی و استدلال متقن، به مراتب، برنده‌تر و کارا تر از سلاح خشم و غضب است. اصولاً اولین آفت و ضرر خشونت و غضب در گفتار، نصیب خود فرد می‌شود.

## ۵. صراحت در گفتگو به چه دلیلی اهمیت دارد؟

یکی دیگر از آداب اخلاقی مناظره، «صراحت بیان» و پرهیز از تکلیف و تعارف در گفتار و دوری کردن از به کار بردن سخنان کنایه‌آمیز و چند پهلو و مبهم است. در یک مناظره حق‌طلبانه و حق‌خواهانه، هرگز نباید از

کلمات و سخنانی استفاده شود که تاب تفاسیر متعدد و متنوعی را دارند. پای مصالح اساسی انسان و اجتماع در میان باشد، ناگزیر باید با صراحت سخن گفت تا از تفسیرها و تحلیل‌های دلخواهانه و نادرست که منطبق بر منافع گروهی یا شخصی است، جلوگیری شود.

#### **۶. انواع گفتگو را نام ببرید.**

گفتگو انواع متعدد و متنوعی، از قبیل گفتگوی تبلیغی، ارشادی، تعلیمی، آموزشی، اقناعی و احساسی دارد. گفتگوی خداوند با فرشتگان و آدمیان را می‌توان از نوع گفتگوی ارشادی، تعلیمی و هدایت‌گرایانه دانست.